

# تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و جرم در سطوح خرد و کلان

مسعود چلبی، محمد مبارکی

مفهوم «سرمایه اجتماعی» به دلیل ماهیت و محتوایی که دارد تقریباً با تمامی موضوعات و مسائل مطرح در حوزه انسانی و اجتماعی، از جمله حوزه آسیب‌های اجتماعی و به‌خصوص جرم، ارتباط پیدا می‌کند. با توجه به این تأثیرات متقابل، هدف تحقیق حاضر بررسی و شناسایی رابطه بین سرمایه اجتماعی و جرم می‌باشد. این مطالعه از دو قسمت مجزا تشکیل شده است: قسمت اول، پیمایشی است در بین ۳۲۰ نفر از افراد عادی بالای ۱۸ سال شهر تهران و مجرمان زندان‌های اوین، رجایی‌شهر و ورامین. قسمت دوم، تحقیق در سطح بین‌المللی و به‌صورت تحلیل ثانویه بوده و مقطع زمانی خاص (۱۹۹۷ تا ۱۹۹۹) را شامل می‌شود. برای تحلیل داده‌ها از رگرسیون چند متغیره، رگرسیون لجستیک و مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهند که هم در سطح کلان و هم در سطح خرد بین سرمایه اجتماعی و جرم رابطه منفی و معناداری وجود دارد. مفاهیم کلیدی: سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی، آنومی، نابرابری، توسعه، جرم.

## مقدمه

مفهوم سرمایه اجتماعی<sup>۱</sup> که به تازگی در نوشته‌های مربوط به علوم اجتماعی وارد شده است به‌طور خلاصه شامل سرمایه و منابع حاصل از نهادها، روابط و هنجارهایی است که کنش متقابل اجتماعی جامعه را به لحاظ کمی و کیفی شکل می‌دهند. این مفهوم به دلیل ماهیت و محتوایی که دارد از این پتانسیل برخوردار است تا در تحلیل‌های نظری در حوزه‌های مختلف

### 1. Social Capital

به کار گرفته شود، که یکی از آنها حوزه آسیب‌های اجتماعی است. امروزه ماهیت پیچیده آسیب‌های اجتماعی ایجاب می‌کند تا در برخورد و شناخت با تجدید و تکمیل نظریات موجود، با اتکا به یافته‌های نوین، دایره شناخت خود را گسترده‌تر سازیم. از این منظر سرمایه اجتماعی به عنوان ابزاری اساسی قابلیت و کارایی بالایی در تبیین و توضیح مسائل و مشکلات، از جمله آسیب‌های اجتماعی، دارد. چنانچه می‌توان از آن به عنوان راه‌حل مشکلات اجتماعی نام برد. بنابراین، در صورتی که عناصر این مفهوم به خوبی مورد بررسی قرار گیرد و در یک قالب منسجم مدون گردد، قادر است تا به خوبی در شناخت و تحلیل آسیب‌ها مؤثر واقع شده و راهکارهای مناسبی را در بحث پیشگیری در اختیارمان قرار دهد.

با توجه به تأثیرات متقابل سرمایه اجتماعی با مسائل گوناگون جامعه، به خصوص آسیب‌های اجتماعی و نحوه حضور آن در زندگی کنشگران اجتماعی، در این مطالعه ابتدا سعی خواهیم نمود تعریف سرمایه اجتماعی و ابعاد مختلف آن را در سطوح گوناگون مشخص کرده و سپس رابطه بین سرمایه اجتماعی و جرم را هم در سطح کلان و هم در سطح خرد مورد بررسی قرار داده و مکانیسم‌هایی را که در این رابطه دخیل هستند نمایان سازیم.

### واکاوی منابع موضوع

سرمایه اجتماعی یک مفهوم چندوجهی و در حال حاضر یک مفهوم نامشخص با تعدادی از تعاریف رقیب می‌باشد. این ویژگی باعث یکی از پرمناقشه‌ترین موضوعات در بین دانشمندان اجتماعی در دهه‌های اخیر شده است و آن این‌که سرمایه اجتماعی چیست و چگونه مورد سنجش قرار می‌گیرد. این مسئله بحث و انتقادات زیادی را در محافل دانشگاهی به همراه داشته است و باعث افزایش ابهامات پیرامون تعاریف متعدد این مفهوم در حوزه‌های گوناگون توسط افراد مختلف شده است. به طوری که در بررسی منابع موضوع با انبوهی از تعاریف روبه‌رو می‌شویم که در حوزه‌های متفاوتی ارائه شده‌اند. بررسی و مرور این تعاریف گوناگون نسبت به تعیین معرف‌های مشترک برای مفهوم سرمایه اجتماعی کمک خواهد نمود و از این طریق می‌توان یک سنجش مشترکی را از این مفهوم به عمل آورد. بنابراین در زیر به برخی از این تعاریف اشاره می‌گردد:

جیمز کلمن<sup>۱</sup> سرمایه اجتماعی را به وسیله کارکردش تعریف نموده است. به نظر او سرمایه اجتماعی هنگامی ایجاد می‌شود که روابط میان اشخاص به شیوه‌ای تغییر یابد که کنش را آسان

---

1. James Coleman

سازد. بنابراین، سرمایه اجتماعی شیء واحدی نیست، بلکه جنبه‌های متفاوت ساختار اجتماعی را در بر می‌گیرد که کنش جمعی و فردی را ترویج می‌نماید (رازنفیلد، ۲۰۰۱: ۲۸۴). از دیدگاه پیر بوردیو<sup>۱</sup>، سرمایه اجتماعی حاصل جمع منابع بالقوه و بالفعلی است که نتیجه مالکیت شبکه بادوامی از روابط نهادی شده بین افراد و، به عبارت ساده‌تر، عضویت در یک گروه می‌باشد (فیلد، ۲۰۰۳: ۱۵؛ برونینگ و دیگران، ۲۰۰۰؛ استرگرن و دیگران، ۲۰۰۳). برای او، پیوندهای بادوام و متراکم از اهمیت خاصی برخوردار است. چراکه میزان سرمایه اجتماعی هر فرد بستگی به تعداد روابط و میزان سرمایه (فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی) تملک شده توسط هر رابطه دارد (فیلد، ۲۰۰۳: ۱۷).

همچنین رابرت پوتنام<sup>۲</sup> اعتقاد دارد که سرمایه اجتماعی وجوه گوناگون سازمان اجتماعی، نظیر اعتماد، هنجارها و شبکه‌هاست که می‌توانند با تسهیل اقدامات هماهنگ کارایی جامعه را بهبود بخشند. (پوتنام، ۱۳۸۰: ۲۸۵). در مقابل، فوکویاما<sup>۳</sup> سرمایه اجتماعی را وجود مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش‌های غیر رسمی تعریف می‌کند که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میانشان مجاز است در آن سهم هستند. از نظر او مشارکت در ارزش‌ها و هنجارها به خودی خود باعث تولید سرمایه اجتماعی نمی‌گردد، چراکه این ارزش‌ها ممکن است ارزش‌های منفی باشد. بر عکس، هنجارهایی که تولید سرمایه اجتماعی می‌کنند اساساً باید شامل سجایایی از قبیل صداقت، ادای تعهدات و ارتباطات دو جانبه باشد (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۱۱-۱۲).

از نظر پکستن<sup>۴</sup> منظور از سرمایه اجتماعی آن دسته از روابط اجتماعی است که می‌تواند تولید کالاهای مادی یا غیر مادی را تسهیل نماید (پکستن، ۲۰۰۲: ۲۵۶). به اعتقاد او سرمایه اجتماعی دارای دو بعد اصلی می‌باشد: ۱. روابط عینی میان افراد از یک طرف و ۲. پیوندهای ذهنی بین همان افراد از طرف دیگر (فیلد، ۲۰۰۳: ۶۷). با این دو بعد، این تعریف از سرمایه اجتماعی هم روابط بین افراد را در بر می‌گیرد که کلمن بر آن تأکید نموده بود و هم این‌که در واقع این روابط باید براساس تئوری برودیو ذهنی، مبتنی بر اعتماد و مثبت باشد (پکستن، ۲۰۰۲: ۲۵۶). چلبی نیز معتقد است، منظور از سرمایه اجتماعی گزینه‌های رابطه‌ای موضع اجتماعی می‌باشد. از نظر وی، برای هر موضع اجتماعی بالقوه چهار نوع گزینه رابطه‌ای قابل تصور است. این گزینه‌ها عبارتند از: روابط اجتماعی، روابط اجباری، روابط گفتگومانی و روابط مبادله‌ای. گزینه‌های رابطه‌ای برای اشغال‌کننده موضع بالقوه در حکم منابع ارزشمند محسوب

1. Pierre Bourdieu

2. Robert Putnam

3. Fukoyama

4. Paxton

می‌شوند که در روابط اجتماعی قابل تبدیل به دارایی‌های مختلف برای کنشگر هستند. به عبارت دیگر، مجموع گزینه‌های رابطه‌ای مربوط به موضع اجتماعی منبع بالقوه افزایش رتبه اجتماعی را تشکیل می‌دهد (چلبی، ۱۳۷۵: ۱۷۰).

به طور کلی، عناصری که از مجموع تعاریف و نظریات ذکر شده می‌تواند به عنوان شاخص‌های سرمایه اجتماعی استخراج شود، شامل کنش‌های متقابل اجتماعی، تعاملات بین افراد، گروه‌ها و اجتماعات، تعهدات و انتظارات، هنجارها و ضمانت‌های اجرایی مؤثر، ظرفیت بالقوه اطلاعات، اعتماد اجتماعی، انواع روابط، پیوندها، انسجام اجتماعی و استفاده از منابع و منافع مشترک آن می‌باشد.

اخیراً بیشتر تئوری پردازان سرمایه اجتماعی (اعم از عالمان سیاسی و جامعه‌شناسان) بر دو عنصر اصلی این مفهوم تأکید دارند: نخست، اعتماد میان اعضای اجتماع، و دیگری مشارکت در سازمان‌های اجتماعی. این عناصر با چیزی که رازنفیلد، مسنر و باومر (۲۰۰۱: ۲۸۵) به ترتیب اعتماد اجتماعی<sup>۱</sup> و مشارکت مدنی<sup>۲</sup> نامیده‌اند مطابقت دارند. با پیروی از این دیدگاه، می‌توان گفت که سرمایه اجتماعی دارای دو بعد کمی و کیفی می‌باشد: از نظر بعد کمی، سرمایه اجتماعی یک کمیت است؛ یعنی در جامعه هرچه مشارکت بیشتر باشد و تعداد انجمن‌های داوطلبانه یا، به عبارتی، سازمان‌های غیر دولتی (NGOs) بیشتر باشد سرمایه اجتماعی نیز بیشتر خواهد بود. کمیت خود دو بعد مختلف دارد، یک بعد تعداد سازمان‌های داوطلبانه در جامعه و بعد دیگر تعداد اعضای هر یک از این گروه‌ها می‌باشد. همچنین میزان روابط افراد با اعضای خانواده، دوستان و آشنایان و به طور کلی با دیگران شامل بعد کمی سرمایه اجتماعی می‌گردد. بر طبق نظر لین (۲۰۰۱)، روابط باعث تقویت هویت شرکت‌کنندگان و به رسمیت شناختن آن‌ها به عنوان عضوی از یک رابطه، افزایش جریان اطلاعات بین مردم، برجسته کردن عضویت فردی دیگران در یک رابطه و اعتبار اجتماعی توأم با آن و اعمال نفوذ بر دیگرانی که خارج از انجمن هستند شده و از این طریق منابع سرمایه اجتماعی را فراهم می‌سازد (مک‌کارتی و دیگران، ۲۰۰۲: ۸۳۴).

از نظر بعد کیفی، باید اذعان داشت که سرمایه اجتماعی دارای بعد کیفیتی مهمی است. برای برآورد جامع سرمایه اجتماعی می‌بایست میزان همبستگی و درجه انسجام درون‌گروهی، اعتماد متقابل بین کنشگران، احساسات مثبت و به طور کلی بعد ذهنی آن نیز مد نظر قرار گیرد. کیفیت نیز خود دارای دو بعد می‌باشد. یک بعد همبستگی درون‌گروهی است و بعد دیگر

1. Social Trust

2. Civic Engagement

همبستگی بین گروهی یا انسجام بین گروه‌های موجود در جامعه می‌باشد. چنانچه در یک جامعه اعتماد و انسجام درون‌گروه‌ها بالا باشد، اما بین گروه‌های مختلف انسجام پایین بوده یا وجود نداشته باشد، این فرآیند تأثیرات منفی برای کل جامعه خواهد داشت و در واقع سرمایه اجتماعی موجود از نوع منفی خواهد بود.

با بررسی ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی می‌توان دو نوع عمده این سرمایه را مشخص نمود:  
الف. سرمایه اجتماعی شناختی (رابطه‌ای):

این نوع از سرمایه به تجلیات انتزاعی تر سرمایه اجتماعی، از قبیل اعتماد، هنجارها و ارزش‌هایی، اشاره دارد که کنش‌های متقابل میان مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهند (پاراس، ۲۰۰۳: ۴).  
ب. سرمایه اجتماعی ساختاری (نهادی):

تجلی ساختاری به جنبه‌های قابل رؤیت و شاید عینی‌تر (قابل لمس‌تر) مفهوم سرمایه اجتماعی برمی‌گردد. از قبیل؛ نهادهای محلی، سازمان‌ها و شبکه‌های موجود در میان مردم که قادر به پیگیری اهداف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می‌باشند (همان). جنبه ساختاری باعث ایجاد روابط افقی و روابط عمودی در جامعه می‌گردد و از این طریق سرمایه اجتماعی کل جامعه را تقویت می‌نماید.

با توجه به این واقعیت که سرمایه اجتماعی می‌تواند در انواع مختلف وجود داشته باشد، می‌توان گفت که سرمایه اجتماعی همیشه برای تمام اعضای یک جامعه دارای تأثیرات مثبت نیست، بلکه فقط در صورتی می‌تواند مثبت باشد که هم سرمایه شناختی و هم سرمایه ساختاری هر دو به میزان بالایی در جامعه وجود داشته باشد. در غیر این صورت ما شاهد انواع دیگر سرمایه اجتماعی خواهیم بود که ممکن است پیامدهای نامناسبی برای جامعه داشته باشد. حالت‌های مختلف ترکیب انواع سرمایه همراه با شیوه‌های اصلاحی مناسب آن در شکل (۱) نشان داده شده است.

سرمایه رابطه‌ای

		قوی	ضعیف
سرمایه نهادی	قوی	سرمایه اجتماعی بالا تکلیف: حوزه گسترش یافته فعالیت‌ها	سازمان‌های قوی تکلیف: مشروع‌سازی، تشدید
	ضعیف	انجمن‌های سنتی تکلیف: معرفی قوانین، رویه‌ها و مهارت‌ها	آنومی، ذره‌نگرانه، غیراخلاقی تکلیف: کمک به توسعه ساختارها و هنجارها

منبع: کریشنا، ۱۹۹۸: ۷۹.

### شکل ۱. طرح طبقه‌بندی انواع سرمایه

بنابراین، سرمایه اجتماعی تنها به منزله مجموعه‌ای از نهادها، انجمن‌ها و گروه‌هایی که دور هم جمع می‌باشند و به یکدیگر چسبیده‌اند نیست، بلکه بیانگر شدت و نوع رابطه بین آن‌ها و بین کنشگران در جامعه است. لذا هریک از تعاریف و دیدگاه‌های موجود در ارتباط با سرمایه اجتماعی نه به‌عنوان دیدگاه‌های جایگزین، بلکه به‌عنوان ابعاد مکمل جریان سرمایه اجتماعی می‌تواند در نظر گرفته شود.

پس از توصیف مفهوم سرمایه اجتماعی، به بررسی و تعریف جرم<sup>۱</sup> به‌عنوان متغیر دیگر تحقیق حاضر می‌پردازیم. علمای حقوق کیفری هریک جرم را به گونه‌ای تعریف کرده‌اند. هریک از این تعاریف با تمام ژرفکاوای اغلب از گرایش‌های نظری مکتب‌های خاصی ملهم بوده است. برای نمونه مکتب عدالت مطلق جرم را «هر فعل مغایر اخلاق و عدالت» تعریف کرده است و یا بنا به تعریف گاروفالو یکی از بنیادگذاران دانش جرم‌شناسی جرم عبارت است از تعرض به احساس اخلاقی بشر یعنی «جریحه‌دار کردن آن بخش از حس اخلاقی که احساسات بنیادی نوع‌خواهانه یعنی شفقت و درستکاری را شامل می‌شود». همچنین کارارا که بیشتر به اوصاف عینی جرم توجه داشته است جرم را «نقض یکی از قوانین دولت ناشی از فعل خارجی انسان که ایفای وظیفه یا اعمال حقی آن را تجویز نکند و مستوجب کیفر باشد» تعریف نموده است. در تعریف دیگری که از حقوقدان فرانسوی روکس منقول است، علاوه بر عنصر قانونی و مادی جرم، عنصر روانی نیز در تعریف منظور شده است. در این تعریف: «جرم عبارت است از تجلی خطاکارانه اراده شخص برخلاف حق که قانون برای آن کیفری تعیین کرده است» (اردبیلی، ۱۳۷۹: ۱۱۹).

از آنجایی که مفهوم جرم از یک طرف با زمان ارتباط دارد و، از طرف دیگر، باید جنبه مکانی آن نیز در نظر گرفته شود؛ به این صورت که آن‌چه در زمانی خاص از طرف اجتماع و از دید افراد جرم محسوب می‌شود، ممکن است در زمانی دیگر به‌علت تغییر شرایط اجتماعی و به‌علت ارزش‌های فرهنگی فاقد آن اعتبار گردد (صدفی، ۱۳۷۲: ۱۳)، بنابراین ارائه هر تعریف دقیقی از جرم بایستی در چهارچوب شرایط فرهنگی و اجتماعی زمان و مکان مورد نظر صورت گیرد تا مطابق با نظرات و اندیشه‌های افراد آن جامعه باشد.

در این مطالعه بنابر ملاحظات کاربردی، تعریف قانونی جرم مدنظر قرار می‌گیرد. طبق این تعریف «هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد جرم محسوب می‌شود.»

با توجه به تعریف فوق مشخص می‌گردد که مفهوم جرم متفاوت با کجروی است. چراکه کجروی را می‌توان «ناهمنوایی با هنجار یا مجموعه هنجارهای معینی تعریف کرد که توسط تعداد قابل ملاحظه‌ای از مردم در اجتماع یا جامعه‌ای پذیرفته شده است» (گیدنز، ۱۳۸۱: ۱۴۹). در واقع، رفتار انحرافی به مفهوم رفتاری است که به طریقی با انتظارات رفتاری مشترک یک گروه خاص سازگاری ندارد و دیگر اعضای جامعه آن را ناپسند یا نادرست می‌دانند (ستوده، ۱۳۷۳: ۳۰). در صورتی که ارتکاب جرم چیزی جز نقض قانون نیست. به عبارت دیگر، «جرم زیر پا گذاشتن قوانین اجتماعی رفتاری است که توسط افرادی که قدرت سیاسی و اجتماعی را در دست دارند، به صورت مجموعه قوانین جنایی تفسیر و بیان گردیده است» (سیگل، ۲۰۰۱: ۲۰). به طور کلی، با الهام از نظر لاری جی. سیگل<sup>۱</sup> (۲۰۰۱) می‌توان انواع مختلف جرایم را در چهار طبقه عمده دسته‌بندی کرد:

۱. جرایم خشونت‌آمیز<sup>۲</sup>: شامل قتل، سرقت مسلحانه، زنا به عنف، ضرب و جرح شدید

و...

۲. جرایم مالی<sup>۳</sup>: شامل اعمالی است که برخلاف قانون جنایی بوده و مبتنی بر کسب سود و یا اضرار به مال غیر، بدون توسل به زور، است. مانند: سرقت، خیانت در امانت، صدور چک بلامحل و...

۳. جرایم یقه سفید و سازمان‌یافته<sup>۴</sup>: جرایم یقه سفید شامل فعالیت‌های غیر قانونی افرادی است که در بخش‌های مرفه‌تر جامعه هستند و جرایم سازمان‌یافته به فعالیت‌های هماهنگ‌یافته‌ای اطلاق می‌گردد که بسیاری از ویژگی‌های سوداگری متعارف را دارند؛ اما غیر قانونی محسوب می‌شوند (گیدنز، ۱۳۸۱: ۱۷۹). مواردی از این نوع جرایم عبارتند از: رشوه، اختلاس، کلاه‌برداری‌های مالیاتی و جرایم سطح بالا.

۴. جرایم علیه نظم عمومی<sup>۵</sup>: شامل آن دسته از اعمال غیرقانونی می‌شود که بهبودی عمومی جامعه را تهدید می‌نمایند و اصول اخلاقی پذیرفته شده را به چالش می‌کشند. (سیگل، ۲۰۰۱: ۴۳۰). نمونه‌هایی از آن شامل همجنس‌بازی، روسپی‌گری (فحشا) و استفاده از مواد مخدر می‌باشد.

به طور خلاصه، این نوع طبقه‌بندی رفتارهای مجرمان براساس تعریف قانونی‌شان

1. Larry J. Siegel  
3. Property crimes  
5. Public order crimes

2. Violent crimes  
4. White-Collar and organized crimes

و نتایج‌شان شامل: وارد آوردن آسیب‌های فیزیکی به دیگران، حیف و میل کردن دارایی افراد دیگر و سرپیچی از قوانین طرح شده برای حفظ اخلاقیات عمومی می‌تواند برای بررسی جرم و انواع آن مفید باشد. چراکه با استفاده از آن می‌توان یک دید کلی نسبت به جرم پیدا نمود.

### چهارچوب نظری

تئوری‌های زیادی در طول زمان سعی نموده‌اند رابطه سرمایه اجتماعی و جرم را بررسی نمایند. به طوری که در برخی از دوره‌ها تعداد آن‌ها افزایش و در دوره‌ای دیگر کاهش یافته است. اگر بخواهیم یک تقسیم‌بندی کلی از این تئوری‌ها داشته باشیم می‌توانیم بگوییم که انواع این تئوری‌ها عبارتند از: تئوری انتخاب، تئوری‌های ساختار اجتماعی، تئوری‌های فرآیند اجتماعی، تئوری‌های ترکیبی و تئوری‌های مرتبط دیگر. در هر یک از این تئوری‌ها به روش‌های مختلف سعی شده است از مفهوم سرمایه اجتماعی یا یکی از معرف‌های آن برای کمک به تبیین توانایی‌های متفاوت اجتماعات انسانی نسبت به حل دامنه وسیعی از مسائل جمعی مانند جرم استفاده گردد. در زیر به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌گردد:

از دیدگاه انتخاب عقلانی، افرادی که دارای انتخاب‌های عقلانی هستند، زمانی مرتکب جرم می‌شوند که سود خالص مورد انتظاری که از این فعالیت به دست می‌آید بیشتر از آستانه اخلاقی<sup>۱</sup> آن‌ها باشد (لدرمن و دیگران، ۱۹۹۹: ۱۳). بنابراین با توجه به تئوری انتخاب ویلسون و هرنستین (۱۹۸۵)، می‌توان گفت که کاهش بالقوه پیوندهای اجتماعی می‌تواند به آسانی به عنوان بازدارنده بالقوه در نظر گرفته شود؛ چراکه این کاهش از نظر فرد به عنوان هزینه‌ای برای ارتکاب به جرم محسوب شده و او این هزینه را با سود خالص آن مقایسه کرده و تصمیم‌گیری نهایی را نسبت به انجام دادن رفتار به وجود می‌آورد. ساوج و کاناواوا (۲۰۰۲) نیز استدلال کرده‌اند که روابط با دوستانی که رفتار ضد اجتماعی را ارزش می‌نهند، جرم را از طریق فرآیندهای بسیار مشابه با انتخاب ترویج می‌نماید. به خاطر این‌که در این نوع روابط منزلت اجتماعی افزایش یافته و طرد اجتماعی به وسیله مجموعه‌ای از رفتارهای جرم‌آمیز جلوگیری می‌شود. در نهایت، براساس تئوری انتخاب عقلانی می‌توان گفت که در صورت وجود سرمایه اجتماعی مثبت و وجود روابط گرم متقابل و اعتماد کافی بین

1. Moral threshold



اعضای جامعه، افراد در اغلب موارد مرتکب جرم نمی‌شوند به خاطر این‌که با انجام دادن آن شبکه روابط خود را از دست داده و از طرف کسانی که با آن‌ها رابطه داشته‌اند طرد می‌شوند و این فرآیند هزینه زیادی برای آن‌ها خواهد داشت و ارتکاب جرم به صرفه نخواهد بود.

تئوری‌های ساختار اجتماعی اظهار می‌نمایند که نیروهای اقتصادی و اجتماعی در جهت تخریب نواحی طبقات پایین‌تر عمل می‌نمایند و بسیاری از ساکنان آن‌ها را درون الگوهای رفتاری جرم‌آمیز قرار می‌دهند. این تئوری‌ها وجود گروه‌های نوجوان نظارت نشده، میزان جرم بالا و بی‌نظمی اجتماعی در مناطق فقیرنشین را به‌عنوان مسائل اجتماعی عمده در نظر می‌گیرند (سیگل، ۲۰۰۱: ۱۹۲). به‌طور کلی، سه شاخه مستقل اما مطابق با هم در درون دیدگاه ساختار اجتماعی وجود دارد که عبارتند از: تئوری بی‌سازمانی اجتماعی<sup>۱</sup> (شاو و مک‌کی، ۱۹۴۲؛ سمپسن، ۱۹۸۵-۱۹۸۷؛ بورسیک، ۱۹۸۶-۱۹۸۸؛ سمپسن و گروز، ۱۹۸۹؛ بورسیک و گراسمیک، ۱۹۹۳؛ سمپسن و رادنبوش، ۱۹۹۹)، تئوری فشار<sup>۲</sup> (تئوری آنومی، تئوری محرومیت نسبی (جودیس بلاو و پیتر بلاو، ۱۹۸۲؛ ویلکینسون، ۱۹۹۶؛ کاواچی و همکاران، ۱۹۹۹)، تئوری فشار عمومی (رابرت اگنیو، ۱۹۹۷)) و تئوری انحراف فرهنگی<sup>۳</sup> که هر یک از آن‌ها به نوعی رابطه بین سرمایه اجتماعی و جرم را تبیین می‌نمایند.

تئوری بی‌سازمانی اجتماعی شاو و مک‌کی (۱۹۴۲) و اخیراً کار انجام شده به وسیله بورسیک (۱۹۸۸ و ۱۹۸۶)، سمپسن (۱۹۸۵، a، ۱۹۸۶، b، ۱۹۸۶ c، ۱۹۸۷) و دیگران بر روی سازگاری گروهی نسبت به فرایندهای اجتماعی، از قبیل شهرنشینی و تغییر الگوهای رشد اقتصادی، بیشتر از بزهکاری فردی تأکید می‌نمایند (رز و کلیبر، ۱۹۹۸: ۲). اساس این تئوری آن است که برخی اجتماعات به خاطر اختلال در فرایندهای رسمی و غیر رسمی کنترل اجتماعی قادر به خود تنظیمی مؤثر<sup>۴</sup> نیستند. این شرایط منجر به مختل شدن ساختار سازمانی محله می‌شود که سست شدن پیوندهای ساکنان نسبت به همدیگر و نسبت به اجتماع را به دنبال خواهد داشت. در نتیجه برخی ساکنان به‌طور طولانی مدت از کنترل‌های اجتماعی هنجاری پیروی نخواهند کرد. چراکه این اجتماعات بی‌سازمان قادر به درک ارزش‌های مشترک ساکنان و حل مسائل مختلف نیستند. به خاطر این‌که آن‌ها نمی‌توانند وفاق مربوط به ارزش‌ها، هنجارها، نقش‌ها یا توافقات سلسله‌مراتبی را در میان اعضایشان ایجاد یا حفظ نمایند.

1. Social disorganization theory

2. Strain theory

3. Cultural deviance theory

4. Effectively Self-Regulation

بر طبق تئوری بی‌سازمانی اجتماعی، سرمایه اجتماعی پایه و اساس کنترل اجتماعی است، به خاطر این‌که آن نیروی جمعی بیرونی را برای تحمیل نظم به وجود می‌آورد. آن چیزی است که گروه‌ها را نسبت به تحمیل هنجارها و در نتیجه نسبت به افزایش سطوح کنترل غیر رسمی‌شان توانا می‌سازد. بنابراین، اجتماعات سازمان‌نیافته تا حدودی گرفتار جرم و شرایط منفی دیگر می‌باشند، به خاطر این‌که آن‌ها قادر به انباشت سرمایه اجتماعی لازم نیستند (رز و کلیر، ۱۹۹۸: ۸).

تئوری فشار فرض می‌کند که وقایع پر تنش در خانواده یا محله منجر به احساسات منفی و بعداً بزهکاری می‌گردد. به‌ویژه اگر منابع هنجاری چیره شود، مثلاً حمایت والدین و همسالان قابل دسترس نباشد (کاتز، ۲۰۰۲: ۳۱). براساس این تئوری می‌توان گفت که فقدان تعلقات اجتماعی همچنین کاهش سرمایه اجتماعی هم در جامعه و هم در درون خانواده باعث می‌شود که افراد هنگام روبه‌رو شدن با منابع فشار نتوانند بر آن‌ها غلبه نمایند، در نتیجه احساسات منفی در افراد ایجاد می‌شود که منجر به جرم و بزهکاری خواهد شد.

شاخه سوم تئوری ساختار اجتماعی تأثیرات بی‌سازمانی اجتماعی و فشار را با هم تلفیق می‌نماید و سعی دارد تبیین کند که چگونه مردم با زندگی در محلات بی‌سازمان نسبت به انزوای اجتماعی و محرومیت اقتصادی واکنش نشان می‌دهند. به خاطر تحلیل رفتگی سبک زندگی، ناکامی و افسردگی، اعضای طبقات پایین‌تر جامعه خرده‌فرهنگ مستقلی را با مجموعه قوانین و ارزش‌های خودی ایجاد می‌کنند (سیگل، ۲۰۰۱: ۲۰۹)، که این خرده‌فرهنگ کج‌رو در میان افراد طبقات پایین جامعه باعث می‌شود که آن‌ها به یکدیگر اعتماد زیادی داشته باشند و همبستگی خود را در مقابل طبقات دیگر جامعه حفظ نمایند. این امر منجر به افزایش سرمایه اجتماعی درون‌گروهی شده و سازماندهی تبهکاران محلی را به‌دنبال خواهد داشت. این نوع سرمایه اجتماعی ممکن است جرم درون‌گروهی را کاهش دهد؛ اما آن را برای شهر یا کشور به‌عنوان یک کل افزایش خواهد داد.

سرمایه اجتماعی از طریق مکانیسم‌های دیگری نیز می‌تواند میزان جرم افراد و جامعه را تحت تأثیر قرار داده و آن را کاهش یا افزایش دهد. این مکانیسم‌ها را می‌توان در فرآیندهای روان‌شناختی اجتماعی و کنش‌های متقابل مشترک با مردم در تمام بخش‌های ساختار اجتماعی جست‌وجو کرد. تئوری‌های فرآیند اجتماعی بر کنش‌های متقابل مردم با سازمان‌های گوناگون، نهادها و فرآیندهای اجتماعی تأکید می‌نمایند و مطرح می‌کنند که اگر روابط موجود در بین مردم از نوع مثبت و گرم باشد، مردم می‌توانند از عهده مسائل اجتماعی بر آیند. اما اگر این روابط

منفی و مخرب باشند مردم را با مشکل مواجه ساخته و جرم و جنایت را در جامعه افزایش خواهند داد.

یکی از نظریه پردازان این حوزه ادوین ساترلند می‌باشد که نقش کنش متقابل اجتماعی را در شکل‌گیری رفتار و گرایش‌های انسان‌ها مورد تأکید قرار داده و معتقد است رفتار مجرمانه در اثر تماس و همنشینی با الگوهای جنایی آموخته می‌شود. هرچه تماس افراد با چنین محیط‌هایی زودتر آغاز شود (سن افراد)، تکرار تماس به دفعات بیشتر باشد (فراوانی معاشرت)، ارتباط نزدیک‌تر و عمیق‌تر باشد (عمق معاشرت) و مدت زمان معاشرت طولانی‌تر باشد، احتمال این‌که فرد در نهایت به یک بزه‌کار تبدیل شود، بیشتر است (روزبهرانی، ۱۳۷۸: ۸۹ به نقل از وندر زندن، ۱۹۹۶: ۱۴۱). بر طبق دیدگاه پیوند افتراقی<sup>۱</sup> ساترلند، می‌توان گفت که هرچه روابط فرد با گروه‌های همسال کجرو بیشتر باشد احتمال زیادی وجود خواهد داشت که او مرتکب جرم گردد. این نکته روابط بین سرمایه اجتماعی و جرم را پیچیده‌تر می‌نماید. چراکه این فرض متضاد با فرضی است که می‌گوید سرمایه اجتماعی بیشتر منجر به جرم کمتر خواهد شد. برای حل این تناقض، می‌توان از وجود دو نوع تمایز در درون مفهوم سرمایه اجتماعی کمک گرفت. نخست، سرمایه اجتماعی ثمربخش - نوعی که ممکن است تغییرات نهادی ایجاد کند و توسعه را تسهیل نماید و دوم، سرمایه اجتماعی فاسد - شبکه‌هایی که فعالیت‌های مجرمانه را تشویق می‌نمایند. با اضافه کردن مفهوم سرمایه اجتماعی به تئوری پیوند افتراقی، می‌توان نتیجه‌گیری نمود که با وارد شدن افراد در گروه‌های کجرو و برقراری ارتباط نزدیک با اعضای آن گروه به مرور زمان ارزش‌ها و هنجارهای خرده فرهنگ کجرو یاد گرفته می‌شود و از آن‌جا که انسجام درون‌گروهی در آن بالا می‌باشد از این‌رو فرد سعی می‌کند برای حفظ عضویت خود در گروه و حفظ همبستگی گروهی، رفتارهای کجرو یاد گرفته شده را بر ضد گروه‌های دیگر به کار بندد، در نتیجه فرد مرتکب جرم می‌گردد. در این حالت، می‌توان گفت که آن نوع سرمایه اجتماعی که در بین اعضای گروه وجود دارد از نوع سرمایه اجتماعی درون‌گروهی و منفی بوده و هرچه سرمایه اجتماعی فاسد در جامعه بیشتر باشد میزان جرم و جنایت نیز در جامعه زیادتر خواهد بود.

علاوه بر تئوری‌های فوق که بر نقش یک یا چند عامل مهم در تبیین رابطه بین سرمایه اجتماعی و جرم تأکید می‌ورزند، برخی از نظریه‌پردازان نیز با تلفیق این تئوری‌ها و با در

1. Differential association theory

نظر گرفتن بهترین عناصر موجود در این زمینه ابعاد مختلف این رابطه را مورد بررسی و تبیین قرار داده‌اند و سعی نموده‌اند مکانیسم‌های تأثیرگذاری سرمایه اجتماعی بر روی جرم را مشخص کرده و آن‌ها را به صورت منسجم مطرح نمایند، که در این زمینه می‌توان مدل توسعه اجتماعی<sup>۱</sup>، تئوری تعاملی<sup>۲</sup> ترنس تورنبری<sup>۳</sup> و تئوری رده سنی سمپسون و لوب<sup>۴</sup> را نام برد.

در مدل توسعه اجتماعی، جوزف ویز، ریچارد کاتالونو، ج. دیوید هاوکینز و همکارانشان، مدل‌های ساختاری، یادگیری اجتماعی و کنترل اجتماعی را با هم ترکیب کرده و معتقدند که تعهد و دلبستگی به نهادها، فعالیت‌ها و عقاید مرسوم، باعث حفظ جوانان از تأثیرات افراد مجرم در محیط‌شان می‌گردد و بدون این پیوند افراد به راحتی در برابر تأثیرات دیگران کجرو تسلیم می‌شوند (سیگل، ۲۰۰۱: ۳۰۷). این تئوری سرمایه اجتماعی را در دو نوع عمده آن در نظر می‌گیرد و معتقد است که آن نوع سرمایه اجتماعی برای فرد مفید است و باعث جلوگیری از ارتکاب جرم می‌گردد که از طریق رابطه با افراد به هنجار و عادی جامعه به وجود آمده باشد. در غیر این صورت فرد با ایجاد رابطه با افراد کجرو و مجرم اگرچه سرمایه اجتماعی لازم را به دست می‌آورد، اما این نوع سرمایه نامطلوب بوده و منجر به کجرو شدن فرد خواهد گردید.

تورنبری نیز معتقد است که شروع جرم می‌تواند ریشه در فرسایش پیوندهای اجتماعی در طول دوره نوجوانی داشته باشد. این فرسایش به وسیله ضعیف شدن دلبستگی به والدین، تعهد به مدرسه و اعتقاد به ارزش‌های مرسوم مشخص می‌گردد. در واقع، از نظر تئوری تعاملی، ضعف پیوندها منجر می‌شود که نوجوانان دوستی خود را با همسالان کجرو توسعه داده و در رفتارهای کجروانه درگیر شوند. درگیری مکرر در رفتارهای کجرو پیوندها را ضعیف‌تر کرده و بازسازی آن‌ها را مشکل‌تر می‌سازد (سیگل، ۲۰۰۱: ۳۱۲). این تئوری معتقد به وجود یک رابطه متقابل بین سرمایه اجتماعی و جرم می‌باشد به این صورت که ابتدا کاهش سرمایه اجتماعی باعث افزایش جرم و بزهکاری شده و سپس افزایش جرم و بزهکاری در یک محل باعث ضعیف‌تر شدن پیوندها و فرسایش سرمایه اجتماعی می‌گردد.

همچنین، سمپسون و لوب (۱۹۹۰) معتقدند که سرمایه‌گذاری یا سرمایه اجتماعی در روابط نهادی شده چه در خانواده و چه در محل کار یا اجتماع است که شدت کنترل غیر رسمی

1. The social development model

2. Interactional theory

3. Terence Thornberry

4. Sampson and Laub: Age-Graded theory

را در سطح فردی تحکیم بخشیده و باعث کاهش رفتار مجرمانه می‌گردد. به‌طور کلی، ایده اصلی تئوری رده سنی این است که همان‌طوری‌که ایجاد سرمایه مالی باعث بهبود شانس افراد برای موفقیت‌های شخصی می‌شود، ایجاد سرمایه اجتماعی نیز از رفتارهای متداول حمایت نموده و باعث جلوگیری از رفتارهای کجرو می‌شود. دو عامل عمده تأثیرگذار در این فرآیند ازدواج و اشتغال می‌باشد که چنانچه با موفقیت صورت گیرند باعث افزایش پیوندهای اجتماعی فرد با دیگران شده و به‌دنبال خود کاهش جرم و بزهکاری را در بر خواهند داشت.

در زمینه رابطه سرمایه اجتماعی و جرم، کازاردا و جانویتز (۱۹۷۴)، نیز دیدگاه سیستمی<sup>۱</sup> پویایی‌های اجتماعی را توسعه داده‌اند که فرض نموده است گروه‌های خویشاوندی و دوستی که ریشه در ثبات مسکونی دارند باعث تقویت دلستگی‌های محله می‌گردند. براساس این دیدگاه، شبکه‌های قوی و متراکم به‌طور یکنواخت توانایی یک اجتماع را برای کنترل غیررسمی جرم افزایش می‌دهند (برونینگ و دیگران، ۲۰۰۰: ۶)، که این فرآیند از طریق تشویق انتقال اطلاعات و انتظارات مربوط به کنترل اجتماعی در بین ساکنان اجتماع صورت می‌گیرد. بنابراین تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر روی جرم ممکن است بیش از پیش منفی باشد، همچنین باعث افزایش انسجام اجتماعی گردد.

در مجموع، چنانچه بخواهیم یک جمع‌بندی کلی از تمام نظریات موجود در این زمینه داشته باشیم می‌توان گفت که به‌طور کلی دو استدلال اساسی برای کاهش جرم تحت تأثیر سرمایه اجتماعی وجود دارد:

استدلال نخست این‌که سرمایه اجتماعی هزینه‌های روابط (تبادل) اجتماعی را کاهش می‌دهد. در نتیجه باعث حل مسالمت‌آمیز تضادها، تفاوت‌های بین شخصی (در خانه، محله و کار) و تضادهای اجتماعی (از قبیل؛ درک تبعیض غیرمنصفانه فرصت‌های اقتصادی) می‌گردد. این استدلال در حقیقت اظهار نظر قطعی فوکویاما می‌باشد که: «اعتماد به‌طور چشم‌گیر می‌تواند باعث کاهش چیزی گردد که اقتصاددانان آن را هزینه‌های تبادل، هزینه‌های گفت‌وگو و نظایر آن نامیده‌اند. همچنین آن اشکال پر بازده معینی از سازمان اقتصادی را ممکن می‌سازد یا در عبارات رابینسون و سیلز «... هزینه‌های تبادل از طریق افزایش سرمایه اجتماعی کاهش می‌یابد به خاطر این‌که هر شرکت‌کننده‌ای در تجارت سعادت او مرتبط با سعادت و به‌روزی شریک تجاریش می‌باشد (لدرمن و دیگران، ۱۹۹۹: ۱۰).

1. The systemic perspective

استدلال دوم این‌که جوامعی که در بین اعضایشان پیوندهای قوی‌تری وجود دارد بهتر می‌توانند برای غلبه بر مسئله سواری-مجانی<sup>۱</sup> در کنش‌های جمعی خودشان را سازماندهی و بسیج نمایند. این عامل پتانسیل رفتار فرصت‌طلبانه فرد را کاهش می‌دهد. بنابراین، از پتانسیل تضاد و ستیز اجتماعی می‌کاهد (همان).

با وجود این، دلایلی وجود دارد مبنی بر این تفکر که سرمایه اجتماعی ممکن است منجر به جرم خشونت‌آمیز بیشتر گردد. در زمینه‌های معینی، کنش‌های متقابل اجتماعی قوی‌تر به افراد اجازه می‌دهد که در فعالیت‌های جرم‌آمیز (تبهکارانه) به خاطر آسان بودن مبادله اطلاعات و فوت و فن کاهش هزینه‌های جرم درگیر شوند. علاوه بر این، پیوندهای عمیق میان اعضای اجتماع ممکن است نفوذ مجرمان موفق را تسهیل نماید و آن‌ها نقش الگورا ایفا نمایند و انگیزه‌ها و گرایش طبیعی به جرم و خشونت در جامعه را به وجود آورند.

ظاهراً، تأثیرات متضاد سرمایه اجتماعی بر روی جرم ممکن است مقداری آشفتگی و ابهام ایجاد نماید. یک روش برای سازگار کردن این دو دسته تأثیرات متضاد در نظر گرفتن این است که سرمایه اجتماعی به‌طور بالقوه باعث جرم و خشونت بیشتری می‌شود هنگامی که آن در گروه‌های خاصی، از قبیل گروه تبهکاران، دسته‌های قومی و محله‌های بسته، متمرکز شده باشد و در سرتاسر جامعه منتشر نشده باشد. علاوه بر این، انسجام درون گروه‌های خصم‌آمیز دو جانبه ممکن است کشمکش بین آن‌ها را شدت بخشد و توانایی آن‌ها را برای رسیدن به توافق کمتر نماید و سپس جرم و خشونت را در کل جامعه افزایش دهد. برعکس، زمانی که سرمایه اجتماعی تمام افراد جامعه را در بر گرفته و تمام افراد جامعه با همدیگر روابط مبتنی بر اعتماد و صمیمیت داشته باشند، این نوع سرمایه اجتماعی سودمند بوده و بر کاهش جرم تأثیر می‌گذارد (همان: ۱۱). به‌طور کلی، فرض اساسی در این‌جا این است که سرمایه اجتماعی در سطح جامعه جرم و خشونت را کاهش می‌دهد و سرمایه اجتماعی در گروه‌های خاص ممکن است آن را ترویج نماید.

روابط بین سرمایه اجتماعی و جرم حتی ممکن است پیچیدگی بیشتری به خود بگیرد. بدین‌صورت که روابط علی بین آن دو ممکن است در هر دو جهت جریان یابد. وقوع جرم خشونت‌آمیز ممکن است سرمایه اجتماعی را از طریق کاهش احساس اعتماد در بین اعضای اجتماع کاهش دهد و یا ممکن است آن را از طریق شکل‌گیری سازمان‌های اجتماعی برای از بین بردن جرم افزایش دهد. به‌عنوان مثال، موزر و هلند (۱۹۹۷) در تحقیقات خود یک رابطه دوری

1. Free-Rider

(چرخه‌ای) بین خشونت و تخریب سرمایه اجتماعی یافته‌اند. آن‌ها مطرح کرده‌اند هنگامی که خشونت اجتماعی اتفاق می‌افتد، تحرک فیزیکی در محل محدود می‌شود، فرصت‌های اشتغال و آموزش کاهش می‌یابند، تجار نسبت به سرمایه‌گذاری در آن منطقه بی‌میل می‌شوند و افراد محل کمتر احتمال دارد که خانه‌های جدید بسازند یا املاک موجود را تعمیر یا بهبود ببخشند. این کاهش در سرمایه اجتماعی، بی‌اعتمادی ناشی از تخریب فراساختارها، تسهیلات و فرصت‌ها را افزایش داده و احتمال رفتار خشونت‌آمیز به‌ویژه در بین افراد جوان را زیاده‌تر می‌نماید (گزارش جهانی خشونت و سلامتی، ۲۰۰۲: ۳۶).

با توجه به موارد فوق می‌توان گفت که چالش اصلی در مجزا نمودن تأثیر معرف‌های سرمایه اجتماعی بر روی جرم خشونت‌آمیز وجود متغیرهای دیگری است که بر روی وقوع جرم تأثیر می‌گذارند و نادیده انگاشتن آن‌ها ممکن است تأثیر برآورد شده سرمایه اجتماعی را تورش‌دار نماید. اگر معرف‌های سرمایه اجتماعی با معرف‌های حذف شده همبستگی داشته باشند، این اتفاق خواهد افتاد. همچنین احتمال دارد که این متغیرها با مشارکت در سازمان‌های اجتماعی داوطلبانه و رواج اعتماد در بین اعضای اجتماع به‌عنوان دو معرف مهم سرمایه اجتماعی رابطه داشته باشند. چالش دیگر این‌که وقوع جرم و خشونت ممکن است به‌ترتیب سرمایه اجتماعی را همچنان‌که در بالا اشاره شد، تحت تأثیر قرار دهد. به‌علاوه، به‌طورکلی تأثیر جرم و خشونت بر روی بعضی معرف‌های سرمایه اجتماعی ممکن است نامشخص باشد. برای مثال، مشارکت در سازمان‌های داوطلبانه ممکن است به‌عنوان پیامد افزایش جرم و عکس‌العملی نسبت به سازماندهی اجتماع برای از بین بردن جرم افزایش یابد. از طرف دیگر، چنان‌چه جرم خشونت‌آمیز منجر به ترس از ترک خانه یا محله شود ممکن است مشارکت داوطلبانه افراد را کاهش دهد. بنابراین برای توانایی این استنباط که سرمایه اجتماعی منجر به جرم خشونت‌آمیز کمتر یا بیشتر می‌شود، ما نیازمند مجزا کردن اجزای سنجش سرمایه اجتماعی هستیم که نسبت به میزان جرم خشونت‌آمیز برون‌زا می‌باشند.

از این‌رو، به منظور متمایز کردن تأثیرات سرمایه اجتماعی در سطوح مختلف تحلیل، ابتدا با استفاده از تئوری‌های مطرح شده رابطه مورد نظر در دو سطح خرد و کلان مورد تبیین و بررسی قرار می‌گیرد و در هر سطح ابتدا معرف‌های مختلف سرمایه اجتماعی مشخص شده و سپس متغیرهای دیگر که به نحوی بر این رابطه تأثیرگذار هستند در نظر گرفته می‌شود. بنابراین با توجه به موارد فوق می‌توان رابطه سرمایه اجتماعی و جرم را همراه با متغیرهای دخالت‌کننده در دو مدل سطح خرد و کلان که اولی مربوط به افراد و دومی مربوط به کشورها است مورد بررسی و تبیین قرار داد (نگاه کنید به مدل‌های الف و ب).

### فرضیه‌های تحقیق

فرضیه‌هایی که در این پژوهش مورد بررسی و آزمون قرار می‌گیرند به صورت زیر می‌باشند:  
—فرضیه کلی: «بین سرمایه اجتماعی و میزان جرم رابطه وجود دارد.»

#### —فرضیه‌های فرعی سطح خرد

۱. هر چقدر میزان اعتماد اجتماعی یک فرد کمتر باشد، میزان ارتکاب به جرم او بیشتر خواهد بود.
۲. هر چقدر فرد با اطرافیان خود روابط متقابل کمتری داشته باشد، میزان بروز رفتارهای جرم‌آمیز او بیشتر خواهد بود.
۳. هر چقدر میزان آنومی در یک جامعه بیشتر باشد، میزان ارتکاب به جرم افراد در آن جامعه بیشتر خواهد بود.
۴. هر چقدر میزان کنترل اجتماعی غیر رسمی در یک جامعه کمتر باشد، میزان ارتکاب به جرم افراد آن جامعه بیشتر خواهد بود.

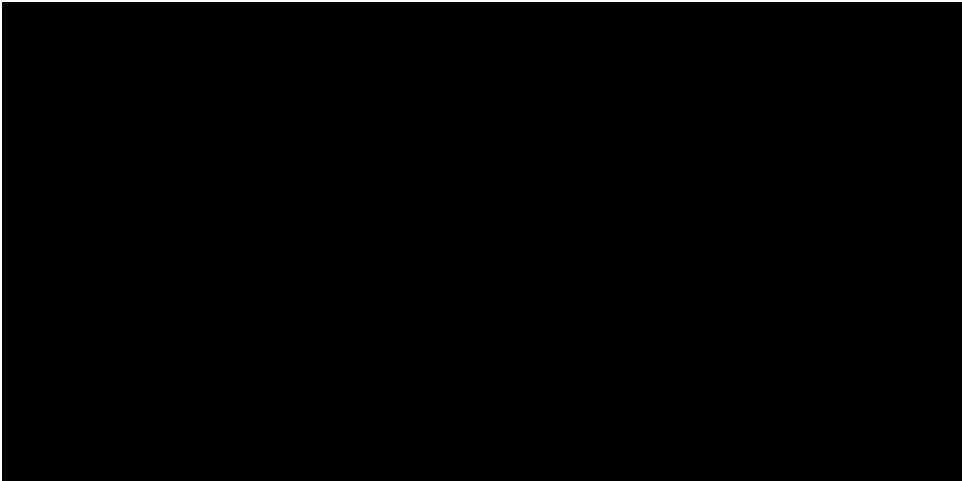
#### —فرضیه‌های فرعی سطح کلان

۱. هر چقدر میزان اعتماد اجتماعی یک جامعه کمتر باشد، میزان جرم در آن جامعه بیشتر خواهد بود.
۲. هر چقدر میزان عضویت سازمانی در یک جامعه کمتر باشد، میزان جرم در آن جامعه بیشتر خواهد بود.
۳. هر چقدر میزان اطمینان به سازمان‌های مختلف در یک جامعه کمتر باشد، میزان جرم در آن جامعه بیشتر خواهد بود.
۴. هر چقدر میزان سرمایه اجتماعی یک جامعه بیشتر باشد، سطح توسعه اقتصادی آن جامعه بالاتر خواهد بود.
۵. هر چقدر سطح توسعه اقتصادی یک جامعه پایین‌تر باشد، میزان جرم در آن جامعه بیشتر خواهد بود.
۶. هر چقدر سطح توسعه اقتصادی یک جامعه پایین‌تر باشد، میزان نابرابری درآمد در آن جامعه بیشتر خواهد بود.
۷. هر چقدر میزان نابرابری درآمد یک جامعه بیشتر باشد، میزان جرم در آن جامعه بیشتر خواهد بود.



زندان

زندان



### روش تحقیق

این مطالعه از دو قسمت مجزا تشکیل شده است: قسمت اول پیمایشی است در زمینه بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و جرم در بین افراد عادی شهر تهران و مجرمان زندان‌های اوین، رجایی‌شهر و ورامین. واحد تحلیل در این قسمت فرد بوده و حجم نمونه شامل ۳۲۰ نفر از افراد عادی و مجرم بالای ۱۸ سال شهر تهران می‌باشد که با استفاده از شیوه نمونه‌گیری طبقه‌بندی و تصادفی ساده انتخاب شده‌اند.

قسمت دوم تحقیق مربوط به بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و جرم در سطح بین‌المللی می‌باشد. روش مورد استفاده در این قسمت تحلیل ثانویه بوده و با توجه به این‌که این مطالعه یک مقطع زمانی خاص (۱۹۹۷ تا ۱۹۹۹) را شامل می‌شود، بنابراین یک مطالعه ملی-عرضی<sup>۱</sup> است و واحد تحلیل آن کشور می‌باشد.

#### — اندازه‌گیری متغیرهای مستقل و وابسته سطح تحلیل خرد (پیمایش)

— **متغیر وابسته:** جرم به‌عنوان متغیر وابسته نهایی در تحقیق حاضر برای افراد مجرم با معرف‌هایی چون نوع جرم، میزان جرم (میزان مجازات و دفعات جرم) مورد سنجش قرار می‌گیرد. در مورد افراد عادی این متغیر از طریق گویه‌های مربوط به جرایم غیر مختوم به زندان اندازه‌گیری می‌شود. البته باید عنوان نمود که این گویه‌ها به‌طور مشابه برای افراد مجرم نیز آورده شده است.

— **متغیرهای مستقل:** برای سنجش متغیرهای مستقل ابتدا آن‌ها معرف‌سازی شدند و سپس در قالب سؤالات و گویه‌ها به گونه‌های متفاوتی از جمله سؤالات دوگزینه‌ای اسمی، باز و یادر یکی از سطوح اندازه‌گیری (اسمی، رتبه‌ای و فاصله‌ای) طراحی و توسعه یافته و به پاسخگویان داده شد. به‌عنوان نمونه، معرف‌هایی که برای متغیر سرمایه اجتماعی در نظر گرفته شدند عبارت بودند از: مشارکت اجتماعی<sup>۲</sup>، علاقه فراوان به جامعه<sup>۳</sup>، اعتماد اجتماعی<sup>۴</sup>، روابط همسایگی<sup>۵</sup>، روابط خانوادگی و دوستان<sup>۶</sup>، خودباوری<sup>۷</sup>، گرایش نسبت به دیگران<sup>۸</sup> و کمک یا ایثار نسبت به غریبه‌ها<sup>۹</sup>.

- |                              |                                   |
|------------------------------|-----------------------------------|
| 1. Cross national            | 2. Social participation           |
| 3. Wider interest in society | 4. Social trust                   |
| 5. Neighbourhood connections | 6. Family and friends connections |
| 7. Beliefs about self        | 8. Attitudes towards others       |
| 9. Giving to strangers       |                                   |

—اندازه‌گیری متغیرهای مستقل و وابسته سطح کلان (تحلیل ثانویه)

—متغیر وابسته: متغیر وابسته در سطح کلان این پژوهش جرم می‌باشد که با استفاده از داده‌های ثانویه مربوط به جرایم قتل، سرقت مسلحانه، کلاهبرداری، سرقت اتومبیل و دستبرد به منازل کشورهای مورد نظر مورد سنجش قرار گرفته است (آمارهای بین‌المللی جرم، ۱۹۹۹).  
—متغیرهای مستقل: متغیرهای مستقل مربوط به مدل سطح کلان تحقیق به صورت زیر اندازه‌گیری شده‌اند:

—سرمایه اجتماعی: داده‌های مورد نیاز متغیر سرمایه اجتماعی در این پژوهش، از گزارش WVS (پیمایش ارزش‌های جهانی) در سال ۱۹۹۵-۹۷ که در سطح کلان انجام شده به دست آمده‌اند. شاخص‌های عمده‌ای که به عنوان معرف‌های سرمایه اجتماعی در سطح کلان در نظر گرفته شده‌اند، عبارتند از: اعتماد اجتماعی، عضویت سازمانی و اطمینان به سازمان‌های مختلف.

—سطح توسعه اقتصادی: برای سنجش این متغیر از سه شاخص تولید ناخالص داخلی (GDP سرانه)، درصد صادرات صنعتی کشور و میزان سرانه مصرف انرژی استفاده شده است. داده‌ها مربوط به سال ۱۹۹۹ می‌باشد (گزارش توسعه انسانی، ۲۰۰۰).

—ناابری درآمد: برای سنجش این شاخص از دو متغیر ضریب جینی و نسبت درآمد فقرا به ثروتمندان برای هر کدام از کشورها استفاده گردید (گزارش توسعه انسانی، ۲۰۰۰).

—متغیرهای کنترل: علاوه بر متغیرهای وابسته و مستقل مدل سطح کلان تحقیق، متغیرهای دیگری به عنوان متغیرهای کنترل در مدل وارد شده‌اند و تأثیرات آن‌ها بر متغیرهای دیگر مورد بررسی و تبیین قرار گرفته است. این متغیرها عبارتند از: حاکمیت قانون، میزان جمعیت شهری، میزان بیکاری و...

—اعتبار<sup>۱</sup> و روایی<sup>۲</sup> تحقیق:

—اعتبار: در تحقیق حاضر از اعتبار سازه‌ای<sup>۳</sup> بهره گرفته شده است به این ترتیب که در مدل اندازه‌گیری لیزرل ضرایب متغیرهای مشاهده شده بر روی متغیر پنهان به عنوان اعتبار آن شاخص در نظر گرفته شده است، یعنی هرچه ضرایب حاصل بالا باشد اعتبار سازه افزایش می‌یابد.  
—روایی: در این پژوهش از ضریب آلفای کرونباخ برای تعیین روایی شاخص‌ها بهره گرفته‌اند. نشان می‌دهد.

1. Validity

2. Reliability

3. Construct validity

جدول ۱. ضریب روایی مقیاس‌ها در پرسشنامه نهایی

پرسشنامه نهایی		متغیرها	پرسشنامه نهایی		متغیرها
ضریب روایی	تعداد گویه‌ها		ضریب روایی	تعداد گویه‌ها	
۰/۴۲۰۷	۴	گرایش نسبت به دیگران	۰/۷۷۱۶	۱۱	مشارکت اجتماعی
۰/۷۵۰۵	۷	کمک یا ایثار نسبت به غریبه‌ها	۰/۸۰۹۷	۷	علاقه فراوان به جامعه
۰/۶۳۲۱	۵	کنترل اجتماعی غیر رسمی	۰/۷۷۲۰	۱۵	اعتماد اجتماعی
۰/۸۵۶۷	۷	احساس محرومیت نسبی	۰/۸۸۵۹	۱۱	روابط همسایگی
۰/۷۴۰۹	۱۴	آنومی	۰/۶۸۱۹	۱۱	روابط خانوادگی دوستان
۰/۶۶۶۷	۵	جرایم غیر مختوم به زندان	۰/۸۱۳۳	۹	خودباوری

### یافته‌های تحقیق

— نتایج متغیرهای سطح خرد: الف. آمارهای تک متغیری

#### نوع جرم

جدول (۲) توزیع فراوانی نسبی نوع جرم را در بین افراد مجرم به تفکیک جنس نشان می‌دهد. براساس یافته‌های این جدول، در میان زنان زندانی جرمی که بیشترین درصد را به خود اختصاص داده است، قتل (۳۷/۵٪) و بعد از آن رابطه نامشروع (۲۲/۵٪) می‌باشد. در میان مردان زندانی نیز بیشترین درصد را سرقت (۵۰٪) و سپس کلاهبرداری (۱۷/۵٪)، قتل (۱۵٪)، نزاع و درگیری (۱۰٪) و سرقت مسلحانه (۷/۵٪) به خود اختصاص داده است.

جدول ۲. توزیع فراوانی نسبی افراد مجرم مورد بررسی بر حسب نوع جرم

افراد مجرم			نوع گروه
کل (درصد)	مرد (درصد)	زن (درصد)	فراوانی
۲۶/۳	۱۵	۳۷/۵	نوع جرم قتل
۳/۸	۷/۵	۰	نزاع و سرقت مسلحانه
۳۲/۵	۵۰	۱۵	سرقت
۸/۸	۱۰	۷/۵	نزاع و درگیری
۱۷/۵	۱۷/۵	۱۷/۵	کلاهبرداری، چک بلامحل، اختلاس و غیره
۱۱/۳	۰	۲۲/۵	رابطه نامشروع
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	جمع کل
۱۶۰	۸۰	۸۰	n

### جرایم غیر مختوم به زندان

جدول (۳) توزیع فراوانی نسبی جرایم غیر مختوم به زندان را در بین افراد عادی و مجرم به تفکیک جنس نشان می‌دهد. طبق یافته‌های موجود در این جدول، ۱۱/۹ درصد افراد مجرم اظهار کرده‌اند که جرایم زیادی را در زندگی خود مرتکب شده‌اند. در حالی که این نسبت برای افراد عادی تنها ۱/۹ درصد می‌باشد.

همان‌طوری که جدول نشان می‌دهد، انحراف معیار نمرات افراد مجرم در ارتباط با شاخص جرایم غیر مختوم به زندان معادل ۴/۰۴ به دست آمده است که نشانگر مجذور اختلاف نمرات پاسخگویان از میانگین (۹/۹۰) است. بنابراین نمرات بیش از نیمی از پاسخگویان زندان بین ۵/۸۶ تا ۱۳/۹۴ در تغییر است. در مقابل، انحراف معیار نمرات افراد عادی در ارتباط با شاخص جرایم غیر مختوم به زندان معادل ۲/۷۶ به دست آمده است که نشانگر مجذور اختلاف نمرات پاسخگویان از میانگین (۷/۸۷) است. بنابراین، نمرات بیش از نیمی از پاسخگویان عادی بین ۵/۱۱ تا ۱۰/۶۳ در تغییر است. علاوه بر این، میانگین جرم هر دو گروه نشان‌دهنده بالا بودن جرایم غیر مختوم به زندان افراد مجرم نسبت به افراد عادی می‌باشد.

### جدول ۳. توزیع فراوانی نسبی افراد عادی و مجرم مورد بررسی بر حسب جرایم غیر مختوم به زندان

افراد عادی			افراد مجرم			نوع گروه
کل (درصد)	مرد (درصد)	زن (درصد)	کل (درصد)	مرد (درصد)	زن (درصد)	فراوانی جرایم غیر مختوم به زندان
۲۲/۵	۱۸/۸	۲۶/۳	۸/۱	۶/۳	۱۰	خیلی کم
۶۱/۹	۵۳/۸	۷۰	۵۶/۳	۴۲/۵	۷۰	کم
۱۳/۸	۲۳/۸	۳/۸	۲۳/۸	۲۲/۵	۱۵	تا حدودی
۱/۹	۳/۸	۰	۱۰	۱۵	۵	زیاد
۰	۰	۰	۱/۹	۳/۸	۰	خیلی زیاد
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	جمع کل
۱۶۰	۸۰	۸۰	۱۶۰	۸۰	۸۰	n
میانگین = ۷/۸۷۶ انحراف معیار = ۲/۷۶۰			میانگین = ۹/۹۰۹ انحراف معیار = ۴/۰۴۲			
حداقل = ۵ حداکثر = ۱۷			حداقل = ۵ حداکثر = ۲۳			

### سرمایه اجتماعی

جدول (۴) توزیع فراوانی نسبی سرمایه اجتماعی را در بین افراد عادی و مجرم به تفکیک جنس نشان می‌دهد. براساس یافته‌های این جدول، تنها ۲۵/۸ درصد افراد مجرم سرمایه اجتماعی زیادی را از خود نشان داده‌اند و ۲۷ درصد سرمایه اجتماعی کمتری را دارا بوده‌اند. در مقابل، ۳۵/۷ درصد افراد عادی دارای سرمایه اجتماعی بالا بوده و تنها ۱۲/۵ درصد آن‌ها سرمایه اجتماعی کمتری را اظهار نموده‌اند. مقایسه میانگین‌های نمرات سرمایه اجتماعی مربوط به هر دو گروه نشان می‌دهد که میزان سرمایه اجتماعی افراد عادی تا حدودی بیشتر از میزان سرمایه اجتماعی افراد مجرم می‌باشد.

### جدول ۴. توزیع فراوانی نسبی افراد عادی و مجرم مورد بررسی بر حسب سرمایه اجتماعی

افراد عادی			افراد مجرم			نوع گروه
کل (درصد)	مرد (درصد)	زن (درصد)	کل (درصد)	مرد (درصد)	زن (درصد)	فراوانی سرمایه اجتماعی
۰/۶	۰	۱/۳	۴/۴	۲/۵	۶/۳	خیلی کم
۱۱/۹	۱۰	۱۳/۸	۲۲/۶	۲۷/۸	۱۷/۵	کم
۵۱/۹	۵۳/۸	۵۰	۴۷/۲	۵۰/۶	۴۳/۸	تا حدودی
۳۱/۳	۳۱/۳	۳۱/۳	۲۵/۲	۱۹	۳۱/۳	زیاد
۴/۴	۵	۳/۸	۰/۶	۰	۱/۳	خیلی زیاد
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	جمع کل
۱۶۰	۸۰	۸۰	۱۶۰	۸۰	۸۰	n
حداقل = ۹/۸۳		میانگین = ۴۶/۴۴		حداقل = ۰		میانگین = ۴۵/۶۲
حداکثر = ۱۰۰		انحراف معیار = ۱۴/۱۱		حداکثر = ۷۵/۸۲		انحراف معیار = ۱۴/۹۵

### ب. آمارهای چند متغیری

#### مشارکت نسبی متغیرهای مستقل در تبیین جرایم غیر مختوم به زندان

جدول (۵) رگرسیون جرایم غیر مختوم به زندان را براساس متغیرهای مستقل تحقیق در میان کل پاسخگویان نشان می‌دهد. یافته‌های جدول حاکی از آن است که آنومی و سرمایه اجتماعی به‌عنوان مهم‌ترین تبیین‌کننده‌های جرم در این پژوهش می‌باشند. به‌عبارت دیگر، هر چقدر سرمایه اجتماعی فرد در یک جامعه بالا باشد و جامعه از آنومی کمتری برخوردار باشد، میزان ارتکاب به جرم افراد در آن جامعه کمتر خواهد بود.

Table with columns of numbers (likely regression coefficients or statistics) and some empty cells. The values are: 44.0, 44.0, 44.0, 44.0, 44.0, 44.0, 44.0, 44.0, 44.0, 44.0.

\* $p < .05$  \*\* $p < .01$  \*\*\* $p < .001$  (ت'<sup>۰</sup> می باشد.)

همچنان‌که در جدول مشاهده می‌شود، در مدل شماره ۹، متغیرهای مستقل همراه با کنترل یکسری متغیرهای پیشینه‌ای وارد شده‌اند و بر روی هم توانسته‌اند ۳۷ درصد از کل واریانس جرم را تبیین نمایند. همچنین، از یافته‌های مدل مذکور پیدا است که دو متغیر سرمایه اجتماعی و انومی با کنترل متغیرهای پیشینه‌ای معناداری خود را حفظ کرده‌اند؛ اما متغیرهای کنترل اجتماعی و احساس محرومیت نسبی هنوز غیر معنادار باقی مانده‌اند.

علاوه بر موارد فوق، در مدل شماره ۹، متغیر جنسیت به‌عنوان یک متغیر تصنعی تأثیر معناداری بر روی جرم داشته است. بدین معنی که هر چقدر از طرف مردان به طرف زنان در مدل حرکت می‌کنیم از میزان جرایم افراد کاسته می‌شود. به عبارت دیگر، زنان در مقایسه با مردان در پژوهش حاضر به‌طور معنادار جرایم کمتری را از خود نشان داده‌اند. همچنین، شاخص تحصیلات تأثیر منفی معناداری بر روی جرم داشته است. یعنی با افزایش تحصیلات افراد از میزان جرایم آن‌ها کاسته شده است. علاوه بر این در پژوهش حاضر افراد متأهل به‌طور معناداری نسبت به افراد مجرد جرایم کمتری را مرتکب شده‌اند. دلیل این امر شاید وجود روابط زیاد و همبستگی و تعهد بالای افراد متأهل نسبت به خانواده و خویشان خود باشد که در واقع وجود این تعهد و احساس مسئولیت نسبت به خانواده اجازه ارتکاب به جرم را به آن‌ها نمی‌دهد، و بالأخره این‌که در مدل مذکور نوع مالکیت منزل نیز تأثیر معناداری بر روی جرم داشته است. بدین معنی که هر چقدر به افراد مالک در این مدل نزدیک شده‌ایم از میزان جرایم کاسته شده است. به عبارت دیگر، افرادی که صاحب منزل بوده‌اند و در واقع ثبات مسکونی داشته‌اند نسبت به افراد مستأجر جرایم کمتری را از خود بروز داده‌اند. که دلیل این امر ممکن است به وجود آمدن تعهد و پایداری محلی در افراد مالک باشد که باعث کاهش جرایم آن‌ها می‌گردد، در صورتی‌که افراد مستأجر به خاطر عدم ثبات مسکونی پایداری زیادی به روابط محلی و همسایگی نشان نمی‌دهند و به راحتی مرتکب جرم می‌شوند.

#### مشارکت نسبی ابعاد سرمایه اجتماعی در تبیین متغیر جرم

در تحقیق حاضر برای تبیین متغیر جرم توسط متغیرهای مستقل با استفاده از رگرسیون لوجستیک ابتدا متغیر جرم به صورت یک متغیر دو مقوله‌ای (احتمال ارتکاب به جرم = ۱، و احتمال عدم ارتکاب به جرم = ۰) در نظر گرفته شد. سپس با استفاده از روش "enter" ابعاد سرمایه اجتماعی به‌عنوان متغیرهای مستقل وارد مدل شدند.

یافته‌های جدول (۶) حاکی از آن است که از بین معرف‌های سرمایه اجتماعی دو شاخص روابط متقابل با اطرافیان و خودباوری تأثیرات معناداری بر روی جرم دارند. به عبارت دیگر، هر چقدر میزان خودباوری فرد بیشتر باشد، احتمال ارتکاب به جرم او کاهش می‌یابد. از طرف



دیگر، هر چقدر میزان روابط متقابل فرد با اطرافیان بیشتر بوده است، احتمال ارتکاب به جرم او افزایش یافته است، که این نکته قابل تأمل و بررسی می‌باشد. دلیل این امر شاید تأثیرات مبهم و چند بعدی میزان روابط بر میزان جرم باشد که در بخش چارچوب نظری با عنوان روابط درون‌گروهی و بین‌گروهی افراد و تأثیرات متضاد آن‌ها بر روی جرم مورد بررسی قرار گرفت. در جدول (۶) علاوه بر ضرایب B، آماره آزمون والد و نسبت برتری (Exp (B)) نیز وضعیت شاخص‌ها را در مدل مورد نظر نشان می‌دهند. به این صورت که مقادیر بزرگ والد همراه با درجات آزادی مربوط نشانگر معنی‌دار بودن ضرایب متغیرهای روابط متقابل با اطرافیان و خودباوری می‌باشد و نسبت برتری نیز لگاریتم ضرایب B را به صورت مضرب نشان می‌دهد (مثال:  $e^{-0/023} = 0/978$  (خودباوری)).

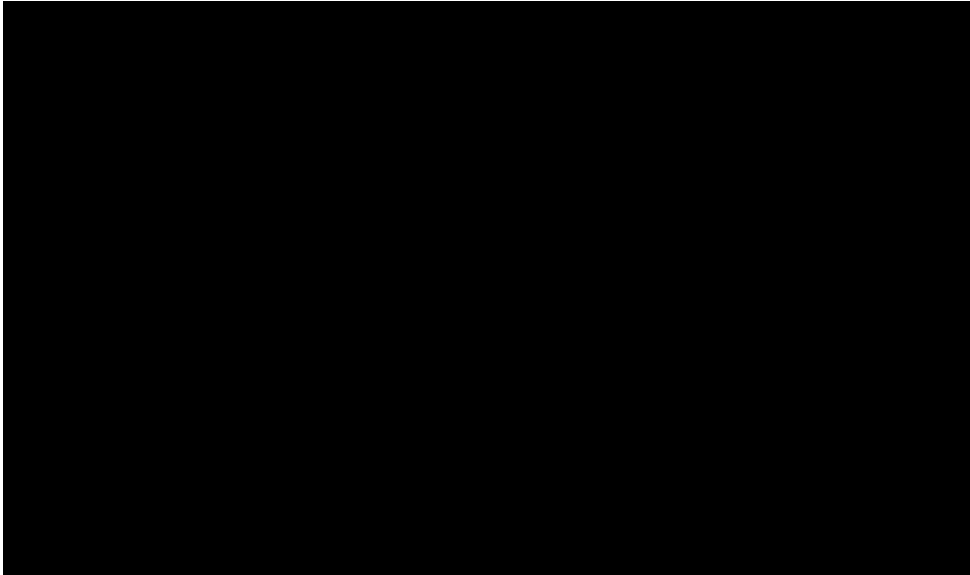
جدول ۶. مشارکت نسبی ابعاد سرمایه اجتماعی در تبیین متغیر جرم

متغیرها	وزن بتا (Beta)	انحراف معیار	آزمون Wald	درجه آزادی	سطح معنی‌داری	نسبت برتری (Exp (β))
علاقه فراوان به جامعه	-0/023	0/027	0/707	1	0/401	0/978
اعتماد اجتماعی	-0/018	0/019	0/845	1	0/358	0/982
روابط متقابل با اطرافیان	0/351	0/151	5/391	1	0/020	1/421
خودباوری	-0/086	0/028	9/767	1	0/002	0/918
گرایش نسبت به دیگران	-0/105	0/058	3/204	1	0/073	0/901
کمک یا ایثار نسبت به غریبه‌ها	0/006	0/031	0/034	1	0/854	1/006
مقدار ثابت	0/006	0/117	0/003	1	0/960	1/006

### الگوسازی معادلات ساختاری<sup>۱</sup> (سطح خرد)

در تحقیق حاضر از آن‌جا که ما یک ساختار تئوری مشخصی از قبل داشتیم، برای آزمون اعتبار سازه‌ای وسیله اندازه‌گیری خود و آزمون نیکویی برازش ساختار مورد نظر با استفاده از نرم‌افزار لیزرل (جورسکاگ و سوربوم، ۱۹۸۹؛ قاضی طباطبایی، ۱۳۷۶، ۱۳۷۴) با در اختیار داشتن داده‌های مربوط به متغیرها تحلیل عوامل تأییدی به عمل آمد. پس از اجرای برنامه و ارائه تغییرات لازم، مدل برازش شده فرضیه‌ها و روابط عنوان شده در تحقیق به شرح ذیل نمایان گردید:

1. Structural Equation Modeling (SEM)



در بخش اندازه‌گیری همچنان‌که از مدل برمی‌آید اکثر بارگویه‌ها به جز یک مورد بالای ۰/۴۰ می‌باشند که نشان می‌دهد معرف‌های متغیرهای مکنون به خوبی روی آن‌ها بار شده‌اند و البته متغیرهایی که بارگویه پایینی داشته‌اند از معادله خارج شده‌اند. بخش ساختاری مدل نیز حاکی از آن است که متغیرهای آنومی (۰/۶۶) و سرمایه اجتماعی (۰/۲۰) بیشترین مقدار واریانس جرایم غیر مختوم به زندان را تبیین کرده‌اند.

جدول (۷) آزمون نیکویی برازش ساختار نظری مطرح شده با داده‌های مشاهده شده و اعتبار سازه‌ای وسیله اندازه‌گیری مورد بحث را نشان می‌دهد. از آن‌جا که معیارهای  $G.F.I = ۰/۸۷$  و  $A.G.F.I = ۰/۸۵$  تقریباً نزدیک به یک می‌باشند، حاکی از برازش نسبتاً زیاد مدل و معیار  $R.M.S. = ۰/۰۵۵$ ، حاکی از عملکرد ضعیف باقیمانده‌ها در مدل است. همان‌طور که جدول (۷) نشان می‌دهد، به جز روابط  $\gamma_{21}$  (رابطه بین احساس محرومیت نسبی و آنومی)،  $\beta_{13}$  (رابطه بین کنترل اجتماعی غیر رسمی و جرایم غیر مختوم به زندان) و  $\beta_{14}$  (رابطه بین سرمایه اجتماعی و جرایم غیر مختوم به زندان) دیگر فرضیات تحقیق نسبتاً تأیید شده‌اند که البته شدت روابط زیاد قوی نیست. هرچند اکثر فرضیات تحقیق تأیید شده‌اند؛ اما نقض رابطه بین سرمایه اجتماعی و جرایم غیر مختوم به زندان نشان‌دهنده این است که تأثیر سرمایه

جدول ۷. برآوردها و مشخصات کلی مدل سطح خرد

Latent Variables Model (Multiple items per construct)						
Path	Standardized path estimates					
$\gamma_{11}$	-۰/۱۵ *					
$\gamma_{21}$	-۰/۱۴					
$\gamma_{41}$	-۰/۳۵ *					
$\beta_{12}$	۰/۶۶ *					
$\beta_{13}$	-۰/۰۳					
$\beta_{14}$	-۰/۲۰					
$\beta_{34}$	-۰/۴۰ *					
$\beta_{24}$	-۰/۴۸ *					
Stand-alone fit indexes						
Latent Variables Model (Multiple items per construct)	$\chi^2$	D.F	GFI	AGFI	R.M.S	P-Value
	۶۲۴/۲۳	۳۱۶	۰/۸۷	۰/۸۵	۰/۰۵۵	۰/۰۰۰۰۰

کمیت t معنی‌دار، در سطح معنی‌دار بودن ۰/۰۵

اجتماعی بر روی جرم بیشتر غیر مستقیم است و از طریق تأثیر بر آنومی ( $\beta_{24} = -0.48$ ) بر روی جرم تأثیر می‌گذارد. نکته دیگر این‌که شاخص احساس محرومیت نسبی نیز بیشتر به‌طور غیر مستقیم و از طریق سرمایه اجتماعی، میزان جرم را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به عبارت دیگر، هرچقدر احساس محرومیت نسبی افراد افزایش یابد، میزان سرمایه اجتماعی آن‌ها کاهش یافته و به دنبال آن مرتکب جرایم زیادی خواهند شد.

### — نتایج متغیرهای سطح کلان: الف. آمارهای تک متغیری

در این قسمت برای توصیف متغیرهای سطح کلان، آماره‌های مرکزی، موضعی و تشتت شاخص‌های وابسته و مستقل براساس میزان درآمد کشورها مورد بررسی قرار می‌گیرد. به منظور سهولت فهم، تمامی شاخص‌ها تغییر مقیاس یافته‌اند، به طوری‌که هر شاخص می‌تواند حداقل صفر و حداکثر ۱۰۰ اختیار کند. به عبارت دیگر، حد بالای هر شاخص در مقیاس جدید بالقوه می‌تواند ۱۰۰ باشد و نه بیشتر.

#### جرم

چنان‌که جدول (۸) نشان می‌دهد، میانگین و میانه نمونه کل برای شاخص جرم به ترتیب ۵۳/۷۹ و ۵۳/۵۸ است. در کشورهایی که دارای درآمد پایینی می‌باشند، کمترین تشتت مربوط به این صفت مشاهده می‌شود. در واقع، کشورهای درآمد پایین میانگین جرم بالایی را از خود نشان داده‌اند. در حالی‌که کشورهای درآمد بالا (OECD) کمترین میانگین مربوط به این شاخص را دارا بوده‌اند. به عبارت دیگر، میزان جرایم گزارش شده کشورهای دارای درآمد بالا (OECD) به نحو چشمگیری کمتر از جرایم مربوط به کشورهای دارای درآمد پایین می‌باشد. به طوری‌که

#### جدول ۸. آماره‌های شاخص جرم

جرم					شاخص گروه‌بندی کشورها براساس میزان درآمد
انحراف معیار	چارک سوم ۷۵٪	میانه ۵۰٪	چارک اول ۲۵٪	میانگین	
۱۱/۱۱	۶۴/۳۰	۶۲/۳۶	۵۷/۶۲	۶۳/۸۱	درآمد پایین
۱۴/۵۲	۶۴/۲۱	۵۴/۶۰	۵۱/۴۴	۶۰	درآمد متوسط رو به پایین
۱۹/۰۹	۷۷/۴۹	۵۷/۵۴	۴۷/۰۹	۶۱/۲۱	درآمد متوسط رو به بالا
۲۰/۱۵	۴۵/۷۴	۳۷/۵۵	۱۸/۱۱	۳۴/۳۰	درآمد بالا (OECD)
۱۶/۳۲	۵۸/۲۰	۵۱/۸۸	۴۵/۹۴	۵۴/۵۳	درآمد بالا (غیر OECD)
۲۰/۰۹	۶۳/۷۲	۵۳/۵۸	۴۳/۴۰	۵۳/۷۹	کل

میانگین و میانه شاخص جرم کشورهای درآمد پایین به ترتیب ۶۳/۸۱ و ۶۲/۳۶ بوده و برای کشورهای درآمد بالا (OECD) ۳۴/۳۰ و ۳۷/۵۵ می باشد.

#### سرمایه اجتماعی

در جدول (۹) آماره‌های مربوط به شاخص ترکیبی سرمایه اجتماعی نشان داده شده است. این شاخص در واقع از ترکیب سه معرف قبلی (اعتماد اجتماعی، عضویت در سازمان‌ها و اطمینان به سازمان‌های مختلف) ساخته شده است و به صورت کلی وضعیت کشورها را از نظر دارا بودن میزان سرمایه اجتماعی نشان می‌دهد. بر طبق آماره‌های موجود در جدول، کشورهای درآمد بالا (OECD) به طور چشمگیر دارای سرمایه اجتماعی بالایی نسبت به سایر کشورها می‌باشند. به طوری که میانگین نمرات شاخص سرمایه اجتماعی برای این کشورها ۷۴/۳۹ است. همچنین، برای کشورهای تحت مطالعه در کل میانگین، میانه و انحراف به ترتیب ۴۹/۲۳، ۴۹/۶۷ و ۲۶/۰۱ می باشد. این خود نشان دهنده آن است که میزان سرمایه اجتماعی در میان کشورهای مورد تحقیق در حد نسبتاً متوسطی قرار دارد.

#### جدول ۹. آماره‌های شاخص سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی					شاخص گروه‌بندی کشورها بر اساس میزان درآمد
انحراف معیار	چارک سوم ٪۷۵	میانه ٪۵۰	چارک اول ٪۲۵	میانگین	
۳۴/۵۴	۷۸/۱۰	۴۷/۸۷	۱۷/۹۵	۴۷/۹۷	درآمد پایین
۱۴/۷۷	۴۷/۳۸	۲۹/۶۳	۲۰/۲۷	۳۲/۹۸	درآمد متوسط رو به پایین
۱۸/۶۲	۵۱/۵۲	۲۵/۸۰	۲۲/۱۸	۳۵/۳۷	درآمد متوسط رو به بالا
۱۵/۹۹	۸۳/۳۱	۷۴/۲۸	۶۸/۴۲	۷۴/۳۹	درآمد بالا (OECD)
-	۳۳/۷۱	۳۳/۷۱	۳۳/۷۱	۳۳/۷۱	درآمد بالا (غیر OECD)
۲۶/۰۱	۷۳/۱۲	۴۶/۶۷	۲۵/۱۲	۴۹/۲۳	کل

#### نابرابری درآمد

بنابر معیارهای آماری موجود، در جدول (۱۰) میزان نابرابری درآمد در میان کشورهای مورد تحقیق در حد نسبتاً بالایی است. به طوری که میانگین نمرات شاخص مذکور برای نمونه کل ۵۵/۲۲ بوده و میانه آن ۵۷/۴۳ می باشد. مراجعه به مشخصه‌های آماری توزیع شاخص مورد نظر نشان می‌دهد که کشورهای درآمد بالای غیر OECD و OECD به ترتیب با میانگین نمرات ۲۶/۴۱ و ۳۳/۸۳ کمترین نابرابری درآمد را به خود اختصاص داده‌اند. در حالی که کشورهای

درآمد متوسط رو به پایین و درآمد پایین به ترتیب بیشترین نابرابری درآمد را دارا هستند.

جدول ۱۰. آماره‌های شاخص نابرابری درآمد

نابرابری درآمد					شاخص گروه‌بندی کشورها براساس میزان درآمد
انحراف معیار	چارک سوم ۷۵٪	میان ۵۰٪	چارک اول ۲۵٪	میانگین	
۲۴/۲۰	۸۶/۸۵	۶۳/۱۶	۴۷/۸۲	۶۶/۵۰	درآمد پایین
۱۶/۸۷	۸۸/۵۷	۷۶/۸۰	۵۴/۹۶	۷۳/۵۳	درآمد متوسط رو به پایین
۲۷/۱۱	۸۱/۹۳	۵۷/۹۳	۳۱/۹۷	۵۷/۴۲	درآمد متوسط رو به بالا
۲۱/۸۹	۵۷/۲۱	۳۲/۳۳	۱۷/۵۰	۳۳/۸۳	درآمد بالا (OECD)
۲۹/۲۲	-	۲۶/۴۱	۵/۷۵	۲۶/۴۱	درآمد بالا (غیر OECD)
۲۷/۲۱	۷۷/۶۸	۵۷/۴۳	۳۳/۲۸	۵۵/۲۲	کل

#### سطح توسعه اقتصادی

آماره‌های موجود در جدول (۱۱) نشان‌دهنده آن است که سطح توسعه اقتصادی در کشورهای درآمد بالا (OECD و غیر OECD) به‌طور چشمگیری بالا می‌باشد. در حالی‌که کشورهای درآمد پایین با میانگین نمرات ۲۱/۱۸ کمترین میزان توسعه اقتصادی را داشته‌اند. میانه توزیع فراوانی کل ۴۲/۸۱ است؛ یعنی بیش از ۵۰ درصد کشورها امتیازی بیش از ۴۲/۸۱ کسب کرده‌اند. افزون بر این، نیمی از این تعداد امتیازی بیش از ۶۳/۸۹ در این شاخص به‌دست آورده‌اند.

جدول ۱۱. آماره‌های شاخص سطح توسعه اقتصادی

سطح توسعه اقتصادی					شاخص گروه‌بندی کشورها براساس میزان درآمد
انحراف معیار	چارک سوم ۷۵٪	میان ۵۰٪	چارک اول ۲۵٪	میانگین	
۱۴/۰۴	۳۲/۸۸	۲۲/۳۴	۸/۲۵	۲۱/۱۸	درآمد پایین
۱۱/۲۸	۴۴/۹۴	۳۷/۴۰	۲۶/۴۸	۳۶/۴۵	درآمد متوسط رو به پایین
۱۱/۶۷	۵۸/۶۵	۴۷	۳۶/۲۶	۴۷/۴۷	درآمد متوسط رو به بالا
۱۶/۲۲	۸۴/۶۹	۷۶/۲۳	۶۰/۹۷	۷۲/۰۵	درآمد بالا (OECD)
۲۰/۰۷	-	۷۳/۷۱	۶۰/۵۴	۷۸/۰۷	درآمد بالا (غیر OECD)
۲۳/۶۸	۶۲/۸۹	۴۲/۸۱	۳۱/۱۰	۴۷/۶۲	کل

ب. آمارهای چند متغیری: مشارکت نسبی معرف‌های سرمایه اجتماعی در تبیین جرم

جدول (۱۲) نشان‌دهنده رگرسیون جرم براساس ابعاد سرمایه اجتماعی در میان کشورهای مورد نظر در تحقیق می‌باشد. نتایج موجود در جدول مذکور حکایت از آن دارد که سه معرف اساسی سرمایه اجتماعی در سطح کلان در مجموع توانسته‌اند ۰/۵۵ از کل واریانس جرم را تبیین نمایند ( $R^2 = ۰/۵۵$ ). همچنان‌که یافته‌های جدول نشان می‌دهد، در مدل شماره ۵ هر سه معرف سرمایه اجتماعی (در سطح کلان) با هم وارد شده‌اند و از بین آن‌ها فقط شاخص «قابل اعتماد بودن مردم» تأثیر معناداری بر روی جرم داشته است. بنابراین با توجه به یافته‌های این مدل می‌توان گفت که معرف اعتماد اجتماعی در مقایسه با معرف‌های دیگر سرمایه اجتماعی نسبت به تبیین میزان جرم جوامع تعیین‌کننده‌تر بوده و دارای اهمیت خاصی می‌باشد. به طوری‌که هر جامعه‌ای که دارای اعتماد بالایی باشد، افراد آن جامعه کمتر مرتکب جرایم مختلف خواهند شد و بالعکس.

جدول ۱۲. ضریب استاندارد رگرسیون جرم بر روی ابعاد سرمایه اجتماعی (در بین کشورها)

متغیرهای مستقل	مدل ۱	مدل ۲	مدل ۳	مدل ۴	مدل ۵
قابل اعتماد بودن مردم	-۰/۵۶۱** (-۳/۲۵۱)	-	-	-۰/۷۱۸*** (-۴/۱۷۴)	-۰/۷۷۳ (-۳/۵۸۷)
عضویت در سازمان‌ها	-	-۰/۱۷۲ (-۰/۷۶۲)	-	-۰/۰۰۶ (-۰/۰۳۴)	-۰/۰۶۵ (-۰/۳۵۱)
اطمینان به سازمان‌ها	-	-	-۰/۳۱۱ (-۱/۳۸۷)	-	-۰/۰۷۸ (۰/۳۶۰)
ضریب تعیین $R^2$	۰/۳۱۵	۰/۰۳۰	۰/۰۹۶	۰/۵۱۷	۰/۵۵۹
ضریب تعیین تعدیل شده (Adjusted $R^2$ )	۰/۲۸۵	-۰/۰۲۱	۰/۰۴۶	۰/۴۶۰	۰/۴۵۷

توجه: اعداد داخل پرانتز نسبت‌های "t" می‌باشند.

(آزمون‌های یک دامنه):  $***p < ۰/۰۰۱$   $**p < ۰/۰۱$   $*p < ۰/۰۵$

مشارکت نسبی متغیرهای مستقل در تبیین متغیر وابسته

جدول (۱۳) رگرسیون جرم را براساس متغیرهای مستقل تحقیق در بین کشورها نشان

می‌دهد.

اطلاعات موجود در جدول (۱۳) حاکی از آن است که متغیرهای سرمایه اجتماعی، نابرابری درآمد و سطح توسعه اقتصادی از جمله متغیرهایی هستند که هر کدام به صورت جداگانه تأثیرات معناداری بر روی جرم می‌گذارند (نگاه کنید به مدل‌های ۱، ۲ و ۳). در مدل‌های ۷، ۸، ۹ و ۱۰

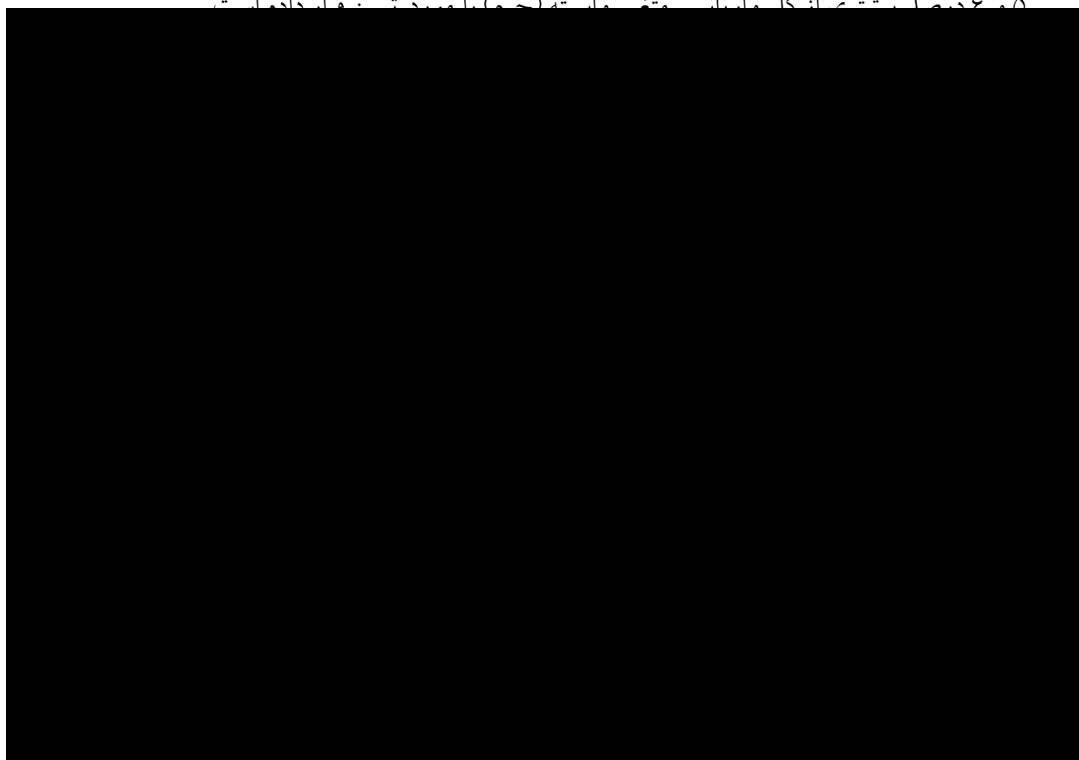
۱۳. ضرایب استاندارد رگرسیون جرم روی متغیرهای مستقل با کنترل متغیرهای پیشینه‌ای (در بین کشورها)

	-۱۳۴۸	-۱۵۶۵	-۱۳۰۱	-۱۵۸۸	-۱۵۸۷	-۱۵۶۷	-۱۳۰۸	-۱۳۳۶	-۱۳۶۵	
	-۱۶۶۲	-۱۳۳۷	-۱۳۵۷	-۱۳۳۸	-۱۵۶۶	-۱۳۳۶	-۱۳۳۷	-۱۳۳۳	-۱۳۸۵	

\*p < .۰۵ \*\*p < .۰۱



در کنار متغیرهای مستقل اصلی، یک سری از متغیرهای کنترلی نیز به ترتیب وارد مدل شده‌اند و سعی شده است تأثیرات آن‌ها بر روی دیگر متغیرها کنترل شده تا تبیین رگرسیونی از وضوح بیشتری برخوردار گردد. اما همچنان که در جدول مذکور مشاهده می‌شود هیچ‌یک از آن‌ها در کنار سایر متغیرها روابط معناداری را نشان نمی‌دهند. برای درک بهتر تأثیر متغیرهایی که به‌طور معنادار با جرم رابطه داشته‌اند، از بین مدل‌های مذکور مدل ۷ به‌عنوان مدل نهایی انتخاب شده است. به خاطر این که در این مدل هم تعداد روابط معنادار بیشتر است و هم این که نسبت به مدل



#### تحلیل معادلات ساختاری جرایم خشونت‌آمیز (سطح کلان)

در این قسمت، متغیرهای مشاهده‌پذیر مربوط به متغیرهای مکنون در مدل جرایم خشونت‌آمیز قبل از ورود به معادله مورد تحلیل عامل اکتشافی قرار گرفت و شاخص‌هایی که روی متغیرهای مکنون بار می‌شدند وارد معادله گشته و شاخص‌های غیر همبسته با شاخص‌های دیگر از معادله حذف گردیدند. پس از به‌دست آوردن عامل‌های مورد نظر و وارد نمودن آن‌ها در مدل معادلات ساختاری، مدل کلی لیزرل به‌صورت زیر اجرا شده و به‌دست آمد:

در مورد بخش اندازه‌گیری همچنان‌که از مدل برمی‌آید اکثر معرف‌های متغیرهای مکنون به‌طور نسبتاً مناسب روی آن‌ها بار شده‌اند. در بخش ساختاری نیز، همچنان‌که از مدل پیدا است، متغیرهای سرمایه اجتماعی (۰/۹۴-) و نابرابری درآمد (۰/۳۲) بیشترین مقدار واریانس جرایم خشونت‌آمیز را تبیین کرده‌اند.

جدول (۱۴) آزمون نیکویی برازش ساختار نظری مطرح شده با داده‌های مشاهده شده و اعتبار سازه‌ای وسیله اندازه‌گیری مورد بحث را نشان می‌دهد. از آن‌جا که معیارهای  $G.F.I = 1$  و  $A.G.F.I = 1$  می‌باشند، حاکی از برازش کامل مدل و معیار  $R.M.S = 0.0010$ ، حاکی از عملکرد بسیار ضعیف باقی‌مانده‌ها در مدل است. همچنین کمیت  $\chi^2$  همراه با درجه آزادی و عدم معناداری P-Value نشان‌دهنده برازش کاملاً خوب مدل مورد نظر می‌باشند.

همان‌طور که جدول (۱۴) نشان می‌دهد، به جز رابطه  $\gamma_{31}$  (رابطه بین سرمایه اجتماعی و سطح توسعه اقتصادی) دیگر فرضیات تحقیق تأیید شده‌اند که البته شدت روابط در برخی از آن‌ها زیاد قوی نیست. بنابراین با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان گفت که هر چقدر سرمایه اجتماعی یک جامعه بالا باشد، میزان جرایم خشونت‌آمیز آن جامعه کمتر خواهد بود (۰/۹۴- =  $\gamma_{11}$ ). همچنین هر چقدر میزان نابرابری درآمد در جامعه‌ای افزایش یابد به همان نسبت میزان جرایم خشونت‌آمیز در آن جامعه افزایش خواهد یافت ( $\beta_{12} = 0.32$ ). از طرف دیگر، سطح توسعه اقتصادی یک جامعه باعث کاهش جرایم خشونت‌آمیز ( $\beta_{13} = -0.21$ ) و همچنین کاهش نابرابری درآمد ( $\beta_{23} = -0.10$ ) در آن جامعه خواهد شد.

#### جدول ۱۴. برآوردها و مشخصات کلی مدل جرایم خشونت‌آمیز (سطح کلان)

Latent Variables Model (Multiple items per construct)						
Path	Standardized path estimates					
$\gamma_{11}$	-۰/۹۴*					
$\gamma_{31}$	-۰/۰۲					
$\beta_{12}$	۰/۳۲*					
$\beta_{13}$	-۰/۲۱*					
$\beta_{23}$	-۰/۱۰*					
Latent Variables Model (Multiple items per construct)	Stand-alone fit indexes					
	$\chi^2$	D.F	GFI	AGFI	R.M.S	P-Value
	۱/۶۶	۳۰	۱	۱	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰۰۰

\* کمیت t معنی‌دار، در سطح معنی‌دار بودن ۰/۰۵

## نتیجه گیری

### الف. نتایج سطح خرد

یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که در مجموع بین سرمایه اجتماعی و جرایم غیر مختوم به زندان رابطه منفی، نسبتاً متوسط و معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، هر چقدر میزان سرمایه اجتماعی فرد افزایش یابد از میزان جرایم غیر مختوم به زندان او کاسته شده و جرایم کمتری از او سر می‌زند. همچنین، نتایج رگرسیون لجستیک نشان می‌دهد متغیر سرمایه اجتماعی با ضریب (۰/۳۲۴-) بیشترین سهم را در تبیین متغیر وابسته (جرم) داشته است. بدین معنی که، هر چقدر سرمایه اجتماعی فرد بیشتر باشد، احتمال ارتکاب به جرم او کاهش می‌یابد.

علاوه بر یافته‌های فوق، نتایج به دست آمده از آزمون تحلیل معادلات ساختاری در تحقیق حاضر حاکی از آن است که اگرچه سرمایه اجتماعی به طور مستقیم بر روی جرم تأثیر می‌گذارد، ولی این شاخص بیشترین تأثیرش را بر روی جرم از طریق آنومی و به طور غیر مستقیم می‌گذارد. بدین صورت که هر چقدر میزان سرمایه اجتماعی افراد در جامعه کاهش یابد، آنومی در آن جامعه افزایش یافته و افراد ارتکاب به جرم زیادی را از خود نشان خواهند داد.

همان‌طور که قبلاً اشاره شد، سرمایه اجتماعی در سطح خرد با شش معرف «علاقه فراوان به جامعه»، «اعتماد اجتماعی»، «روابط متقابل با اطرافیان»، «خودباوری»، «گرایش نسبت به دیگران» و کمک یا «ایثار نسبت به غریبه‌ها» سنجیده شده است. از این رو، برای تک تک معرف‌های فوق نیز آزمون‌های آماری ویژه‌ای صورت گرفت و نتایج آن به شرح زیر مورد مذاقه قرار گرفت:

ضرایب همبستگی مربوط به معرف‌های مذکور در بین کل پاسخگویان تحقیق نشان می‌دهد که ابعاد شش‌گانه سرمایه اجتماعی با شاخص جرایم غیر مختوم به زندان دارای روابط منفی و معنادار می‌باشند. یعنی هر چه علاقه فراوان به جامعه، اعتماد اجتماعی، خودباوری در فرد بیشتر بوده و فرد احساس مثبت زیادی به دیگران داشته باشد و دارای روابط متقابل زیادی با اطرافیان خود بوده و همچنین احساس کمک یا ایثار نسبت به غریبه‌ها در فرد به وفور وجود داشته باشد، میزان ارتکاب به جرم او کمتر خواهد بود.

نتایج حاصل از معادله رگرسیونی در میان کل پاسخگویان نیز حاکی از آن است که اگرچه معرف‌های سرمایه اجتماعی هر کدام به صورت جداگانه تأثیر منفی و معناداری بر روی جرم افراد داشته‌اند، اما در بین آن‌ها شاخص اعتماد اجتماعی بیشترین میزان تبیین جرم را به خود اختصاص داده است. به طوری که این شاخص توانسته است به تنهایی (۰/۰۸۶) واریانس جرایم

غیر مختوم به زندان را تبیین نماید. به عبارت دیگر، هر چقدر اعتماد اجتماعی فرد بیشتر بوده است، میزان جرم او نیز کاهش یافته است.

#### ب. نتایج سطح کلان

نتایج حاصل از آزمون‌های آماری مختلف بین متغیرهای سطح کلان حاکی از آن است که بین سرمایه اجتماعی و جرم رابطه منفی، نسبتاً قوی و معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، هر چقدر میزان سرمایه اجتماعی یک جامعه بیشتر باشد، میزان جرم در آن جامعه کاهش خواهد یافت. همچنین، براساس معادله رگرسیونی به دست آمده در بین کشورها، مشاهده می‌گردد که سرمایه اجتماعی به تنهایی (۳۱٪) کل واریانس جرم را تبیین می‌نماید؛ علاوه بر این، وقتی که این شاخص همراه با متغیر نابرابری درآمد وارد مدل می‌گردد، هر دو متغیر معناداری خود را حفظ می‌نمایند و این نشان‌دهنده آن است که نابرابری درآمد و سرمایه اجتماعی هر کدام به صورت مجزا میزان جرم را مورد تبیین قرار می‌دهند. براساس نتایج تحلیل معادلات ساختاری نیز مشاهده می‌شود که بین سرمایه اجتماعی و جرایم خشونت‌آمیز رابطه منفی، قوی و معناداری وجود دارد. بدین معنی که هر چقدر سرمایه اجتماعی یک جامعه بالا باشد، میزان جرایم خشونت‌آمیز آن کمتر خواهد بود.

همچنین نتایج به دست آمده، نشان می‌دهد که اگرچه بین سه معرف سرمایه اجتماعی و میزان جرم کشورها رابطه منفی وجود دارد؛ اما این رابطه فقط در مورد شاخص «قابل اعتماد بودن مردم» معنی‌دار می‌باشد. به عبارت دیگر، معرف اعتماد اجتماعی در مقایسه با معرف‌های دیگر سرمایه اجتماعی نسبت به تبیین جرم جوامع تعیین‌کننده‌تر بوده و دارای اهمیت خاصی است. به طوری که هر جامعه‌ای که دارای اعتماد بالایی باشد، افراد آن جامعه کمتر مرتکب جرایم مختلف خواهند شد و بالعکس. بنابراین، نتایج مربوط به معرف‌های دیگر سرمایه اجتماعی معنی‌دار نبوده و نمی‌توان آن را به کل جامعه آماری تعمیم داد.

نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون چند متغیره و تحلیل معادلات ساختاری حاکی از آن است که هر چقدر جامعه‌ای از لحاظ اقتصادی توسعه بالایی داشته باشد میزان جرم و جنایت در آن جامعه کمتر خواهد بود. همچنین، بین سطح توسعه اقتصادی و نابرابری درآمد در بین کشورهای مورد نظر رابطه منفی و معناداری وجود دارد. بدین معنی که، هر چقدر جامعه‌ای از لحاظ توسعه اقتصادی رشد زیادی داشته باشد، به مرور زمان از میزان نابرابری درآمد در آن جامعه کاهش یافته و درآمدها تا حدودی به صورت عادلانه توزیع خواهند شد. به دنبال آن، هر چقدر میزان نابرابری درآمد در جامعه‌ای کمتر باشد، جرم و جنایت نیز در آن جامعه کاهش خواهد یافت.

علاوه بر نتایج به دست آمده فوق، در تحقیق حاضر روابط معناداری نیز بین شاخص حاکمیت قانون با متغیرهای سرمایه اجتماعی، سطح توسعه اقتصادی، نابرابری درآمد و میزان بیکاری مشاهده شد. بدین صورت که هر چقدر سرمایه اجتماعی در یک جامعه بالا باشد و توسعه اقتصادی در آن صورت گرفته و نابرابری درآمد کمتر و میزان بیکاری پایینی وجود داشته باشد، حاکمیت قانون نیز در آن جامعه بیشتر خواهد بود. در واقع در صورت وجود شرایط فوق، مردم سعی خواهند کرد بیشتر تابع قانون باشند و از مقررات و هنجارهای رسمی پیروی کنند.

با توجه به این که نتایج تحقیق حاضر با بیشتر یافته‌های تحقیقات قبلی (سمپسن و گروز، ۱۹۸۹؛ پ. کندی و همکاران، ۱۹۹۸؛ دانیل لدرمن و همکاران، ۱۹۹۹؛ کاواچی و همکاران، ۱۹۹۹؛ رازنفیلد و همکاران، ۲۰۰۱؛ سندروگالی و همکاران، ۲۰۰۲) همخوانی دارد و در واقع از آن‌ها حمایت می‌نماید، می‌توان گفت که تحقیق حاضر از پشتوانه تئوری قوی و محکمی برخوردار بوده و نتایج حاصل از آن را می‌توان با اطمینان به کل جامعه آماری تعمیم داد. بنابراین با در نظر گرفتن این یافته‌ها، می‌توان پیشنهاداتی را در سه سطح خانواده، محله و جامعه به صورت زیر مطرح نمود:

۱. تقویت ارتباط و اعتماد متقابل بین اعضای خانواده توسط والدین به طوری که والدین وقت زیادی را صرف بررسی مسائل خانواده خود نموده و ارتباط کافی با یکدیگر و با فرزندان خود برقرار نمایند.

۲. تقویت اعتماد متقابل به دیگران در دوران کودکی و نقش آموزش و بالا بردن مهارت‌های ارتباط با دیگران و جامعه پذیر کردن افراد توسط خانواده که می‌تواند نقش اساسی در کاهش جرم داشته باشد.

۳. تقویت حس ایثار و از خودگذشتگی، خودباوری و علاقه‌مندی به جامعه در فرزندان توسط اعضای بزرگسال خانواده.

۴. با توجه به یافته‌های تحقیق حاضر در زمینه روابط همسایگی و اعتماد متقابل به همسایگان توصیه می‌شود افرادی که در یک محله ساکن هستند با ایجاد انجمن‌های مختلف محلی و شرکت فعال در آن‌ها به مرور زمان اعتماد متقابل را بین همسایگان به وجود آورند که خود این انجمن‌ها باعث تقویت سرمایه اجتماعی محل گشته و می‌توانند از بروز جرایم مختلف در آن محله جلوگیری نمایند. علاوه بر آن، افرادی که عضو این انجمن‌ها هستند دیگر به خود اجازه ارتکاب جرم را نخواهند داد، چراکه در صورت انجام دادن رفتارهای کجرو، از طرف اعضای محله طرد خواهند شد.

۵. از آن جا که سرمایه اجتماعی اساساً در خارج از بخش دولتی به وجود می‌آید، چنانچه

دولت‌ها بخواهند وظایفی را که بهتر است به جامعه مدنی سپرده شود در دست گیرند، سرمایه اجتماعی را تهی می‌کنند. بنابراین، دولت‌ها باید وظایفی را که نهادهای کوچک‌تر و کمتر متمرکز و دیوان‌سالار می‌توانند اجرا کنند به جامعه مدنی بسپارند. همچنین، سیاست‌های دولت باید از طریق ارزش‌های فرهنگی جدید با اشکال مختلف جامعه‌پذیری بیشتر رفتار و انگیزه‌های مردم را دگرگون سازد. لازمه تغییر رفتار و انگیزه‌های مردم نیز به وجود آمدن احزاب و انجمن‌های گوناگون در جامعه می‌باشد. به همین خاطر، دولت باید برای تقویت سرمایه اجتماعی بین گروهی در جامعه زمینه مشارکت فعال مردم در انجمن‌های داوطلبانه را فراهم سازد و از این طریق باعث تعاملات گسترده مردم با یکدیگر گردد که آن نیز اعتماد تعمیم‌یافته را به وجود آورده و جرم و جنایت را در جامعه کاهش خواهد داد.

### منابع

- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۷۹): *حقوق جزای عمومی*، تهران: نشر میزان.
- پانتام، روبرت (۱۳۸۰): *دموکراسی و سنت‌های مدنی* (تجربه ایتالیا و درس‌هایی برای کشورهای در حال گذار)، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور، چاپ اول.
- چلبی، مسعود (۱۳۸۱): *بررسی تجربی نظام شخصیت در ایران*، تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگ، هنر و ارتباطات، چاپ اول.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵): *جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی*، تهران: نشر نی، چاپ اول.
- چلبی، مسعود (۱۳۸۱): «فضای کنش: ابزاری تنظیمی در نظریه‌سازی»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره چهارم، شماره ۱: ۶-۴۵، تهران.
- روزبهرانی، توران (۱۳۷۸): «نقش خانواده به‌عنوان عامل و مانع بزهکاری نوجوانان (با تکیه بر نظم در خانواده)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهش اجتماعی، استاد راهنما: مسعود چلبی، تهران: دانشگاه الزهرا.
- ستوده، هدایت‌الله (۱۳۷۳): *مقدمه‌ای بر آسیب‌شناسی اجتماعی*، تهران: مؤسسه انتشارات آوای نور، چاپ دوم.
- صدفی، ذبیح‌الله (۱۳۷۲): «تأثیر اجتماعی در ارتکاب جرم با تکیه بر عوامل خانوادگی، فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر بزهکاری نوجوانان»، کانون اصلاح و تربیت تهران، تابستان.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹): *پایان نظم: سرمایه اجتماعی و حفظ آن* ترجمه غلام‌عباس توسلی، تهران: انتشارات جامعه ایرانیان، چاپ اول.
- قاضی طباطبایی، محمود (۱۳۷۷): «فرآیند تدوین، اجرا و تفسیر ستاده‌های یک مدل کلی لیزرل: یک مثال عینی»، *سالنامه پژوهشی*، شماره یکم.
- قاضی طباطبایی، محمود (۱۳۷۴): «مدل‌های ساختار کوواریانس یا مدل‌های لیزرل در علوم اجتماعی»، *نشریه دانشکده علوم انسانی و اجتماعی*، شماره ۲، دانشگاه تبریز، زمستان.
- کلمن، جیمز (۱۳۷۷): *بنیادهای نظریه اجتماعی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی، چاپ اول.

گیدنز، آنتونی (۱۳۸۱): *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی، چاپ هفتم.  
ممتاز، فریده (۱۳۸۱): *انحرافات اجتماعی: نظریه‌ها و دیدگاه‌ها*، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ اول.  
منصور، جهانگیر (۱۳۸۱): *قانون مجازات اسلامی*، تهران: نشر دیدار.

- Bohrstedt, George W., 1983. "Measurement". *Handbook of Survey Research*, Edited by Peter H. Rossi, James D. Wright & Andy B. Anderson.
- Browning, Christopher R., Dietz, Robert & Feinberg, Seth L., 2000. "Negative Social Capital and Urban Crime: A Negotiated Coexistence Perspective". URAI working paper No. 00-07 at the Ohio state university: 1-59, <http://www.urai.ohio-state.edu>.
- Bullen, P. & Onyx, J., 1998. "Measuring Social Capital in Five Communities in NSW". PP. 88-92, At <http://www.map1.com.au/a2.htm>.
- Bursik, Robert J., JR., 1988. "Social Disorganization and Theories of Crime and Delinquency: Problems and Prospects". *Criminology*, Volume 26, Number 4: 519-551.
- Carmine, Edwards G., Zeller, Richard A., 1979. "Reliability and Validity Assessment". Sage Publications/Beverly Hills/London.
- Coleman, James S., 1988. "Social Capital in the Creation of Human Capital". *American Journal of Sociology* 94: 95-120, The International Bank for Reconstruction and Development, 2000, The World Bank, Washington, US: 13-39.
- Edwards, Bob & Foley, Michael W., 1997. "Social Capital and the Political Economy of our Discontent". *American Behavioral Scientist*, Vol. 40, No. 5: 669-678.
- Family support services. From 3: Group Participants Questionnaire (September, 1998): 1-4.
- Field, John., 2003. "Social Capital". Published by Routledge, London, UK.
- Fine, Ben., 2001. "Social Capital Versus Social Theory (Political economy and social science at the turn of the millennium)". Published by Routledge, London, UK.
- Galea, Sandro., Karpati, Adam., Kennedy, Bruce., 2002. "Social Capital and Violence in the United States, 1974-1993". *Social Science & Medicine*, Volume 55, Issue 8, Pages: 1373-1383.
- Grootaert, Christian., Narayan, Deepa., Jones, Veronica Nyhan., Woolcock, Michael., 2003. "Integrated Questionnaire for the Measurement of Social Capital (SC-IQ)". The World Bank, Social Capital Thematic Group: 1-70,
- Hagan, John., Merkens, Hans & Boehnke, Klaus., 1995. "Delinquency and Disdain: Social Capital and the Control of Right-Wing Extremism Among East and West

- Berlin Youth". *AJS*, Volume 100, Number 4: 1028-1052.
- Hemenway, David., Kennedy, Bruce P., Kawachi, Ichiro and Putnam, Robert D., 2001. "Firearm Prevalence and Social Capital". *Annals of Epidemiology*, Volume 11, Issue 7, Pages: 484-490.
- Human Development Report, 2000, Published for the United Nations Development Programme, New York, Oxford university.
- Inglehart, Ronald et al., 1981-1984, 1990-1993 and 1995-1997. World Values Surveys and European Values Surveys". Inter-University Consortium for Political and Social Research (ICPSR 2790).
- Interpol/International Crime Statistics, 1999.
- Katz, Rebecca S., 2002. "Re-Examining the Integrative Social Capital Theory of Crime". *Western Criminology Review* 4 (1), 30-54.
- Kawachi, Ichiro., Kennedy, Bruce P. and Wilkinson, Richard G., 1999. "Crime: Social Disorganization and Relative Deprivation". *Social Science & Medicine*, Volume 48, Issue 6, Pages: 719-731. <http://www.science Direct-social Science & Medicine: Crime: Social Disorganization and Relative Deprivation>.
- Kennedy, Bruce P., Kawachi, Ichiro and Brainerd, Elizabeth., 1998. "The Role of Social Capital in the Russian Mortality Crisis". *World Development*, Vol. 26, No. 11, PP. 2029-2043.
- Kennedy, Bruce P., Kawachi, Ichiro., Prothrow-Stith, Deborah., Lochner, Kimberly and Gupta, Vanita., 1998. "Social Capital, Income Inequality, and Firearm Violent Crime". *Soc. Sci. Med.* Vol. 47, No. 1, PP. 7-17.
- Krishna, Anirudh., 1998. "Creating and Harnessing Social Capital". The International Bank for Reconstruction and Development, 2000, The World Bank, Washington, US: 71-93.
- Krishna, Anirudh., 2002. No. "Enhancing Political Participation in Democracies (What is the role of social capital?)". *Comparative political studies*, Vol. 35, No. 4: 437-460.
- Lederman, Daniel., Loayza, Norman and Maria, Menendez Ana., 1999. "Violent Crime: Does Social Capital Matter": 1-43, <http://www.rose-net.com>.
- Lindstrom, Martin., Merlo, Juan and Ostergren, Per-Olof., 2003. "Social Capital and Sense of Insecurity in the Neighbourhood: a Population-based Multilevel Analysis in Malmo, Sweden". *Social Science & Medicine*, Volume 56, Issue 5, Pages: 1111-1120.
- Lochner, Kimberly., Kawachi, Ichiro., Kennedy, Bruce P., 1999. "Social Capital: a Guide to its Measurement". *Health & Place* 5: 259-270. <http://www.elsevier.com/locate/healthplace>.



- Macmillan, Ross., 1995. "Changes in the Structure of Life Courses and the Decline of Social Capital in Canadian Society: A Time Series Analysis of Property Crime Rates". *Canadian Journal of Sociology/Cahiers Canadiens de sociologie* 20 (1): 51-79.
- Markowitz, Fred E., 2001. "Socioeconomic Disadvantage and Violence Recent Research on Culture and Neighborhood Control as Explanatory Mechanisms". *Aggression and violent behavior*, Volume 8: 145-154.
- Markowitz, Fred E., Bellair, Paul E., Liska, Allen E. and Liu, Janhong., 2001. "Extending Social Disorganization Theory: Modeling the Relationships Between Cohesion, Disorder, and Fear". *Criminology*, Volume 39, Number 2: 293-320.
- McCarthy, Bill., Hagan, John., Martin, Monica J., 2002. "In and Out of Harm's Way: Violent Victimization and the Social Capital of Fictive Street Families". *Criminology*, Volume 40, Number 4: 831-865.
- McIlwaine, Cathy and Moser, Caroline O.N., 2001. "Violence and Social Capital in Urban Poor Communities: Perspectives from Colombia and Guatemala". *Journal of international development* No. 13, PP. 965-984. <http://www.iadb.org/etica>.
- Moser & Holland, 1997. "Social Capital in Crime, Corruption and Conflict". <http://www.sciencedirect.com>, October 10, 2002.
- Narayan, Deepa and Pritchett, Lant., 2000. "Social Capital: Evidence and Implications". The International Bank for Reconstruction and Development, 2000, The World Bank, Washington, US: 269-295.
- Narayan, Epa., 1998. "Global Social Capital Survey". Prem, World Bank: 1-10.
- Paras, Pablo., 2003. "Unweaving the Social Fabric: the Impact of Crime on Social Capital". The center for U.S.-Mexican studies, May 15-17: 1-18, <http://usmex.ucsd.edu/justice>.
- Paxton, Pamela., 2002. "Social Capital and Democracy: an Interdependent Relationship". *American sociological review*, Vol. 67 (April: 254-277).
- Petro, Nicolai N., 2001. "Creating Social Capital in Russia: the Novgorod Model". *World Development*, Vol. 29, No. 2, PP. 229-244.
- Putnam, Robert D., 1995. "Bowling Alone: America's Declining Social Capital". *Journal of Democracy* 6: 65-78.
- Rose, Dina A., Clear, Todd R., 1998. "Incarceration, Social Capital, and Crime: Implications for Social Disorganization Theory". *Criminology*. Beverly Hills: Vol. 36, Iss. 3; PDF (Pg. 441-479), Full text (1-16).
- Rosenfeld, Richard., Messner, Steven F., Baumer, Eric P., 2001. "Social Capital and Homicide". *Social Forces*, Vol. 80, Issue 1: 283-309.

- Saegert, Susan., Winkel, Gary and Swartz, Charles., 2002. "Social Capital and Crime in New York City's Low-Income Housing". Housing Policy Debate, Volume 13, Issue 1: 189-226.
- Sampson, Robert J. & Laub, John H., 1990. "Crime and Deviance over the Life Course: The Salience of Adult Social Bonds". American Sociological Review, Vol. 55 (October: 609-627).
- Sampson, Robert J., Groves, W. Byron., 1989. "Community Structure and Crime: Testing Social-Disorganization Theory". American Journal of sociology: 774-801.
- Savage, Joann. & Kanazawa, Satoshi. 2002. "Social Capital, Crime, and Human Nature". Journal of Contemporary Criminal Justice, Vol. 18, No. 2: 188-211.
- Siegel, Larry J., 2001. "Criminology Theories, Patterns and Typologies". Wadsworth, A division of Thomson Learning, Inc. Web: <http://www.thomsonrights.com>.
- Spellerberg, Anne. (Social Policy) assisted by the Social Capital Programme team., 2001. "Framework for the Measurement of Social Capital in New Zealand". Published by Statistics New Zealand, Te Tari Tatau, Wellington, New Zealand.
- Titus Reid, Sue., 2000. "Crime and Criminology". Florida state university, Ninth Edition.
- Turner, Jonathan H., 1998. "The Structure of Sociological Theory". Sixth Edition, Wadsworth publishing company, The US.
- Turner, Jonathan H., 2000. "The Formation of Social Capital". The International Bank for Reconstruction and Development, 2000, The World Bank, Washington, US: 94-145.
- Warner, Barbara D. & Fowler, Shannon K., 2003. "Strain and Violence: Testing a General Strain Theory Model of Community Violence". Journal of criminal justices 31: 511-521.
- Wen, Ming., Browning, Christopher R., Cagney, Kathleen A., 2003. "Poverty, Affluence, and Income Inequality: Neighborhood Economic Structure and its Implications for Health". Social Science & Medicine, Volume 57: 843-860.
- World Values Survey, 1995-1997. Institute for Social Research, The university of Michigan.

مسعود چلبی استاد جامعه‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی است. آخرین کتاب او، تحت عنوان «تحلیل اجتماعی در فضای کنش»، در شرف چاپ می‌باشد. علایق پژوهشی او در زمینه‌های توسعه، نظم اجتماعی، نظریه اجتماعی و جامعه‌شناسی تطبیقی است.

محمد مبارکی کارشناس ارشد پژوهش اجتماعی است. علایق پژوهشی او در زمینه‌های مسائل اجتماعی و جامعه‌شناسی انحرافات است.